



بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

مدیریت کل نظارت بر بانکها و موسسات اعتباری

«اداره مطالعات و مقررات بانکی»

اصول ۲۵ گانه برای نظارت بانکی موثر

از انتشارات کمیته نظارت بر بانکداری

بانک تسویه بین‌المللی

(سپتامبر ۱۹۹۷)

تهیه و تدوین: عبدالمهدی ارجمندنژاد

گروه مطالعاتی بانکی و اعتباری

## فهرست مطالب

| <u>صفحه</u> | <u>عنوان</u>   |
|-------------|--|
| ۱           | پیشگفتار مترجم   |
| ۷           | اصول اساسی برای نظارت بانکی موثر (اصول اساسی کمیته بال)              |
| ۱۴          | فهرست اصول اساسی برای نظارت بانکی اثربخش                             |
| ۲۱          | <b>بخش یک: مقدمه</b>   |
| ۲۶          | <b>بخش دو: پیش شرطهای لازم برای نظارت بانکی موثر</b>                 |
| ۳۲          | <b>بخش سه: فرآیند صدور مجوز و تصویب تغییرات ساختاری</b>              |
| ۳۴          | الف- ساختار مالکیت   |
| ۳۶          | ب- برنامه عملیاتی، نظامهای کنترلی و سازمان درونی                     |
| ۳۷          | پ- آزمون صلاحیت و شایستگی در خصوص هیات مدیره و مدیران ارشد           |
| ۳۸          | ت- پیش‌بینی‌های مالی از جمله پیش‌بینی سرمایه                         |
|             | ث- اخذ موافقت اولیه از بازرسان کشور مبدا، در مواقعی که مالک پیشنهادی |
| ۳۹          | یک بانک خارجی است  |
| ۴۰          | ج- نقل و انتقال سهام یک بانک   |
| ۴۱          | چ- سرمایه‌گذار به‌ها یا خریدهای عمده یک بانک                         |
| ۴۳          | <b>بخش چهار: ترتیبات لازم برای نظارت بانکی مستمر</b>                 |
| ۴۳          | الف- انواع ریسکهای بانکی   |
| ۴۹          | ب- تدوین و اجرای مقررات و الزامات احتیاطی                            |
| ۵۰          | ۱- کفایت سرمایه  |
| ۵۳          | ۲- مدیریت ریسک اعتباری   |
| ۵۹          | ۳- مدیریت ریسک بازار   |
| ۶۰          | ۴- مدیریت ریسکهای دیگر   |
| ۶۳          | ۵- کنترل‌های داخلی   |

| <u>صفحه</u> | <u>عنوان</u>                                     |
|-------------|--|
| ۶۸          | پ- روشهای نظارت بانکی مستمر                      |
| ۷۰          | ۱- بازرسی غیر حضوری                              |
| ۷۱          | ۲- بازرسی حضوری و یا استفاده از حسابرسان خارجی   |
| ۷۴          | ۳- نظارت یکپارچه                                 |
| ۷۵          | ت- اطلاعات مورد نیاز از بانکها                   |
| ۷۶          | ۱- استانداردهای حسابداری                         |
| ۷۷          | ۲- حیطة ارائه گزارشها و تعداد آنها               |
| ۷۸          | ۳- تأیید صحت اطلاعات ارائه شده                   |
| ۷۹          | ۴- حفظ جنبه محرمانه اطلاعات نظارتی               |
| ۷۹          | ۵- افشاء   |
| ۸۱          | <b>بخش پنج: اختیارات رسمی بازرسان</b>            |
| ۸۱          | الف- اقدامات اصلاحی                              |
| ۸۳          | ب- شیوههای انحلال                                |
| ۸۴          | <b>بخش شش: بانکداری برون مرزی</b>                |
| ۸۴          | الف- وظائف بازرسان کشور مبدا                     |
| ۸۷          | ب- وظائف بازرسان کشور مقصد                       |
| ۸۹          | پیوست شماره ۱: مباحث ویژه مربوط به بانکهای دولتی |
| ۹۱          | پیوست شماره ۲: حفاظت از سپردهها                  |
| ۹۳          | فهرست منابع                                      |

## پیشگفتار

به نام کسی کافرید از عدم                      به انسان عطا کرد فکر و قلم  
خداوند جود و خدای وجود                      خدائی که او راست زیب سجود

صاحبنظران ابداع «بانک» و ورود این واژه به ادبیات اقتصاد و بازرگانی را به اعصار و جوامع مختلفی منسوب نموده‌اند لیکن صرفنظر از اختلافات موجود در این زمینه، این پدیده نیز همچون بسیاری از ابداعات بشری، به مرور زمان و همگام با پیشرفت اختراعات، اکتشافات و سازوکارهایی که مرهون روح کاوشگر آدمی است، رشد نموده و اصلاح و تکمیل شده است. این بار نیز بشر با استفاده از سعی و خطا و به مرور زمان، به تکمیل اختراعی پرداخت که از یکسو می‌توانست بسیار مفید واقع شده و با ارائه تسهیلات متنوع، موجبات رونق اقتصادی جوامع مختلف را فراهم آورد و از سوی دیگر و در صورتیکه به شیوه صحیحی کنترل و مدیریت نشود، از قابلیت فراوانی جهت ایجاد اختلالات گسترده در نظام پولی و مالی یک کشور و گاه در عرصه بین‌المللی برخوردار است. شاید بتوان شکست «جان لا»<sup>۱\*</sup> را در ارائه نخستین تجربه بانکداری که به شکل امروزی آن و در طی سالهای ۱۷۱۶ تا ۱۷۲۰ میلادی بوقوع پیوست، اولین و مهمترین تجربه‌ای دانست که بشر را به لزوم کنترل و مدیریت این پدیده واقف ساخت. جان لا، در این تجربه ناموفق خود، درس مهمی به دنیای بانکداری آموخت: «جمع‌آوری

---

۱\* – John Law

سپرده‌های مردم و تجهیز منابع و مصرف آنها با احتیاط و دوراندیشی»<sup>۱\*</sup>. بعدها و به مرور زمان، جوامع مختلف با تجارب تلخ و گزنده دیگری روبرو شدند. تجاربی که گاه مرزهای ملی را درنوردیده، نظامهای پولی و مالی کشورهای مختلفی را متأثر می‌ساختند.<sup>۲\*</sup> تبعات اقتصادی، اجتماعی و بعضاً سیاسی ناشی از وقوع چنین حوادثی؛ به تدریج مقامات، مراجع و سازمانهای کشوری و بین‌المللی را به این فکر واداشت تا با اتخاذ تدابیری، درصدد تحدید این حوزه فعالیت بشری برآمده و از این رهگذر فعالان بازار را از صحت عملکرد و نیز ایمنی و سلامت بانکها مطمئن نمایند. بدیهی است اطمینان فعالان بازار به موسسات واسطه مالی و ازجمله بانکها، مهمترین عامل در ایجاد بستر مناسب برای فعالیت آنها به حساب می‌آید.

ازجمله تدابیر اتخاذ شده در این زمینه می‌توان به ایجاد بانکهای مرکزی از سوی حاکمان ملی اشاره نمود. در بیان نقش و اهمیت بانک مرکزی در یک کشور همین بس که «پل ساموئلسون» اقتصاددان شهیر آمریکائی و برنده جایزه نوبل در رشته اقتصاد چنین اظهار داشته است که: «تنها سه اختراع بزرگ در جهان وجود داشته است که عبارتند از: آتش، چرخ و بانک مرکزی»<sup>۳\*</sup>. بتدریج و با گسترش مناسبات در میان دولتها و سازمانهای وابسته به آنها، نهادهائی بین‌المللی شکل گرفتند که ازجمله مهمترین آنها در زمینه‌های اقتصادی می‌توان به صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی، سازمان تجارت جهانی و ... اشاره نمود.

---

\*۱- علی ماجدی و حسن گلریز، پول و بانک از نظریه تا سیاست‌گذاری، چاپ هشتم،

موسسه عالی بانکداری ایران، تهران، تابستان ۱۳۷۷، صفحه ۱۶۵.

\*۲- برای مطالعه بیشتر در زمینه تاریخچه بانکداری به منبع پیشین رجوع شود.

\*۳- علی ماجدی و حسن گلریز، همان منبع، صفحه ۱۳.

یکی از مراجع بسیار مهم و فعال در عرصه بانکداری، کمیته نظارت بانکی بال است. در این کمیته که در سال ۱۹۷۵ میلادی و توسط روسای کل بانکهای مرکزی کشورهای عضو گروه ۱۰ پایه گذاری شد، کارشناسان ارشد نظارت بانکی عضویت دارند. متخصصینی که از کشورهای مختلف و پیشرو در صنعت بانکداری گرد هم آمده، با استفاده از تجارب و تخصص خود، رهنمودهای مفیدی را برای حفظ سلامت و کارائی نظامهای پولی در سرتاسر جهان پیشنهاد می نمایند. در حال حاضر، این کمیته - که اجلاسهای آن در بانک تسویه حسابهای بین المللی واقع در شهر بال سوئیس برگزار می شود - به مهمترین مرجع تخصصی در زمینه نظارت بانکی تبدیل شده و استانداردها، رهنمودها و پیشنهادهای منتشره از سوی این کمیته، بر طراحی الگوهای نظارتی و تدوین بسیاری از مقررات و الزامات احتیاطی در کشورهای مختلف سایه افکنده است.

یکی از مهمترین اسنادی که از سوی این کمیته به رشته تحریر درآمده است «اصول اساسی برای نظارت بانکی موثر»<sup>۱\*</sup> می باشد که در سپتامبر سال ۱۹۹۷ میلادی منتشر شده است. این سند مشتمل بر اصول بیست و پنج گانه ای است که حاوی رهنمودهای بسیار مهمی برای نظارت بر حوزه های مختلف بانکداری است. اثربخشی این اصول به حدی زیاد است که امروزه نیز پس از گذشت چندین سال از تدوین آن، نه تنها از اهمیت این سند کاسته نشده، بلکه مراجع مختلف دست اندرکار نیز به کارائی آنها پی برده و تلاشهای فراوانی را جهت حاکمیت آنها مصروف داشته اند. از سوی دیگر، این سند از چنان جامعیتی برخوردار است که می توان آنرا به منزله «قانون اساسی حوزه نظارت بر بانکها» تلقی نمود. برخورداری

---

۱\* - Core Principles for Effective Banking Supervision

این سند از چنین ویژگیهای منحصر بفردی، ترجمه آنرا امری ضروری می‌نمود و از اینرو با استعانت از خداوند متعال، تصمیم به ترجمه آن گرفته شد.

بخش ۱ از این مجموعه، اختصاص به مقدمه آن دارد. این بخش با ذکر توضیحاتی چند، زمینه لازم را برای ورود خواننده به مباحث اصلی فراهم می‌آورد. اجرای اصول اساسی کمیته بال مستلزم وجود شرایط و الزاماتی است که بدون حضور آنها نمی‌توان اهداف نظارتی مورد نظر را محقق نمود. بنابراین بخش ۲ از این مجموعه به تشریح پیش شرطهای لازم برای ایجاد یک سیستم موثر نظارت بانکی می‌پردازد.

بخش سوم به فرآیند صدور مجوز برای بانکها و تصویب تغییرات ساختاری در آنها اشاره دارد. این بخش که اصول ۲ تا ۵ را شامل می‌شود به مباحثی همچون ساختار مالکیت؛ برنامه عملیاتی، کنترل‌های داخلی و پیش‌بینی وضعیت مالی بانک متقاضی مجوز؛ انجام آزمونهای صلاحیت و شایستگی در خصوص هیات مدیره و مدیران ارشد آن؛ نقل و انتقال سهام یک بانک و سرمایه‌گذاریها یا خریدهای عمده‌ای می‌پردازد که توسط موسسه مزبور انجام می‌شود.

بخش چهارم اختصاص به تدابیری دارد که برای استمرار فعالیتهای نظارتی، عواملی ضروری به حساب می‌آیند. در این بخش ضمن آشنائی با انواع ریسکهائی که فراروی بانکها قرار دارند، مجموعه الزاماتی که حافظ سلامت و ایمنی بانکها می‌باشند نیز به بحث و بررسی گذاشته می‌شوند. در این بخش به مجموعه الزامات مربوط به کفایت سرمایه بانکها، مدیریت ریسکهائی اعتباری، بازار و ... و همچنین کنترل‌های داخلی اشاره می‌شود. در قسمت دیگری از این

بخش، انواع شیوه‌های نظارتی (حضور و غیرحضور) معرفی می‌شوند. قسمت پایانی این بخش نیز به تبیین الزامات اطلاعاتی واحدهای بانکی می‌پردازد. در این قسمت استانداردهای حسابداری، حیطة ارائه گزارشها و تعداد آنها، تأیید صحت اطلاعات ارائه شده، حفظ جنبه محرمانه اطلاعات نظارتی و وظیفه افشاء مورد بحث قرار می‌گیرند.

بازرسان برای انجام وظایف محوله، نیازمند برخورداری از اختیاراتی رسمی هستند تا در پرتو آنها بتوانند وظائف خود را به بهترین وجه ممکن به انجام رسانده، اقدامات اصلاحی را بعمل آورند. شیوه مشارکت ناظران بانکی در انحلال یا ادغام یک موسسه بانکی، از دیگر مباحثی است که در رابطه با اختیارات رسمی آنها و در بخش پنجم از این مجموعه به بحث و بررسی گذاشته می‌شود.

بخش ششم یا بخش پایانی از این مجموعه به مبحث بانکداری برون مرزی می‌پردازد؛ شکلی از بانکداری که در نیمه دوم قرن بیستم و از سوی برخی بانکهای قدرتمند - که بطور عمده مربوط به کشورهای پیشرفته صنعتی بودند - گسترش یافت. به مرور زمان، این پدیده در میان سایر کشورها نیز توسعه پیدا کرد به گونه‌ای که امروزه، کمتر کشوری را می‌توان یافت که حداقل درگیر یکی از مباحث مربوط به این امر نباشد. وجود مناسبات کاری و تبادل اطلاعات بین بازرسان کشورهای مبداء و مقصد و نیز سایر وظایف آنها، از جمله موضوعاتی است که در این بخش به آن اشاره شده است. پیوسته‌های شماره ۱ و ۲ نیز به طرح مباحثی می‌پردازند که درخصوص بانکهای دولتی و حفاظت از سپرده‌ها مطرح می‌باشند.



در ترجمه‌ای که پیش رو دارید ۲ دسته پانویس وجود دارد. دسته اول، پانویس‌های متن اصلی است. این پانویس‌ها که از شماره ۱ تا ۳۱ و در تمامی متن پراکنده‌اند یا به ارائه توضیحات بیشتر در خصوص مطالب مطروحه در متن اصلی می‌پردازند و یا خوانندگان را به مقالات یا مطالب دیگری ارجاع می‌دهند که به اعتقاد تهیه‌کنندگان این نوشتار، به شناخت بیشتر موضوع مورد نظر می‌انجامند. دسته دوم از پانویس‌ها، توضیحات بیشتری است که از سوی مترجم ارائه شده است. این پانویس‌ها - که جهت تمایز آنها از دسته اول، با علامت (\*) و یک عدد در کنار آنها مشخص شده‌اند - عمدتاً اختصاص به ذکر معادل لاتین برخی از کلمات و واژه‌های مورد اشاره در متن اصلی دارند. در این پانویس‌ها، گاه برای یک کلمه یا واژه لاتین چندین معادل فارسی (که در متون مختلف به چشم می‌خورند) ذکر شده است. این کار هرچند رایج نیست لیکن بنظر می‌رسید ممکن است مفهوم مورد نظر را به شیوه بهتری در ذهن خواننده متن تداعی نماید.

بی‌شک ترجمه این اثر، عاری از نقص و نارسائی نبوده؛ نیازمند اصلاحاتی است که در آینده - و به لطف دقت نظر و تذکرات مشفقانه صاحب‌نظران و اهل فن - در آن بعمل آید. انشاء...

بی‌عنایات خدا هیچیم، هیچ

این همه گفتیم لیک اندر بسیج

گر ملک باشد، سیاهستش ورق

بی‌عنایات حق و خاصان حق

**عبدالمهدی ارجمندزاد**

**آبان ماه ۱۳۸۳**

## اصول اساسی برای نظارت بانکی موثر

### (اصول اساسی کمیته بال)

- ۱- وجود نقاط ضعف در نظام بانکی یک کشور - خواه آن کشور، کشوری توسعه یافته بوده و یا در حال توسعه باشد - می تواند ثبات مالی را، هم در درون آن کشور و هم در عرصه بین المللی مورد تهدید قرار دهد. نیاز به بهبود توان نظامهای مالی، توجه بین المللی فزایندهای را به خود جلب نموده است. بیانیه پایانی اجلاس گروه ۷ که در ماه ژوئن سال ۱۹۹۶ میلادی در شهر لیون منتشر شد، خواهان اقدام در این زمینه بود. اخیراً چندین نهاد رسمی شامل کمیته نظارت بانکی بال، بانک تسویه حسابهای بین المللی، صندوق بین المللی پول و بانک جهانی، راههای تقویت ثبات مالی در سرتاسر دنیا را مورد بررسی قرار داده اند.
- ۲- در این زمینه، سالیان زیادی است که کمیته نظارت بانکی بال<sup>۱</sup> - هم بطور مستقیم و هم از طریق تماسهای متعدد خود با بازرسان بانکها در هر نقطه

---

۱- کمیته نظارت بانکی بال (The Basel Committee on Banking Supervision)، متشکل از کارشناسان ارشد نظارت بانکی است که در سال ۱۹۷۵ توسط روسای کل بانکهای مرکزی کشورهای گروه ۱۰، پایه گذاری شد. این کمیته از کارشناسان ارشد مراجع نظارت بر بانکها و بانکهای مرکزی کشورهای بلژیک، کانادا، فرانسه، آلمان، ایتالیا، ژاپن، لوکزامبورگ، هلند، سوئد، سوئیس، انگلستان و ایالات متحده تشکیل شده است. بطور معمول، اجلاسهای این کمیته در بانک تسویه حسابهای بین المللی در شهر بال (Basle) - مقر دبیرخانه دائمی این کمیته - برگزار می شود.

از جهان - مشغول به فعالیت بوده است. در یکسال و نیم اخیر<sup>۱\*</sup>، این کمیته از طریق برقراری ارتباط با کشورهای که عضو گروه ۱۰ نیستند تلاش نموده است تا همانند اقدامات قبلی خود در زمینه ارتقاء نظارت احتیاطی در کشورهای عضو این گروه، به بررسی بهترین شیوه جهت توسعه تلاشهای خود در زمینه تقویت نظارت احتیاطی در تمامی کشورها بپردازد. بطور خاص، می توان به کار این کمیته در تهیه<sup>۲</sup> سند منتشره اشاره نمود:

- مجموعه کاملی از اصول اساسی<sup>۳\*</sup> برای نظارت بانکی کارآمد (اصول اساسی بال<sup>۳\*</sup>) که به پیوست ارائه شده است.
- مجموعه رهنمودها<sup>۴\*</sup> مشتمل بر پیشنهادات، اصول راهنما و استانداردهای موجود کمیته بال که باید بطور ادواری بهنگام شود.

بخش عمده ای از این مجموعه رهنمودها و بیانیه اصول اساسی، از ارجاعات متقابلی به یکدیگر برخوردار هستند. هر دوی این اسناد به تأیید روسای بانکهای مرکزی کشورهای عضو گروه ۱۰ رسیده اند. در تمهید مقدمات اجلاس دنور<sup>۵\*</sup> که در ماه ژوئن سال ۱۹۹۷ میلادی برگزار گردید، این اسناد تسلیم وزرای دارائی کشورهای عضو گروه ۷ و ۱۰

---

۱\* - خوانندگان محترم توجه دارند که این نوشتار در سپتامبر سال ۱۹۹۷ میلادی تهیه

شده است (مترجم).

-۲\* Core Principles

-۳\* The Basle Core Principles

-۴\* Compendium

-۵\* Denver Summit

گردید به این امید که ساز و کار سودمندی را برای تقویت ثبات مالی در کلیه کشورها، فراهم آورند.

۳- در راستای توسعه این اصول، کمیته بال همکاری نزدیکی با مقامات نظارتی کشورهایی که عضو گروه ۱۰ نیستند، بعمل آورده است. این سند در گروهی متشکل از نمایندگان کمیته بال و کشورهای شیلی، چین، جمهوری چک، هنگ کنگ، مکزیک، روسیه و تایلند تهیه شده است. همچنین ۹ کشور دیگر (آرژانتین، برزیل، مجارستان، هند، اندونزی، کره، مالزی، لهستان و سنگاپور) همکاری نزدیکی در این زمینه داشته‌اند. تهیه پیش نویس این اصول نیز مرهون مشورت‌های فراوان با تعداد زیادی از بازرسان - هم بطور مستقیم و هم از طریق گروه‌های نظارتی منطقه‌ای - می‌باشد.

۴- اصول اساسی بال متشکل از اصول پایه بیست و پنج‌گانه‌ای است که بمنظور برخورداری از یک نظام کارآمد نظارتی می‌بایست در جایگاه شایسته خویش قرار گیرند. این اصول مربوط به موارد ذیل می‌باشند:

- پیش شرط‌های لازم برای نظارت بانکی موثر - اصل ۱
- صدور مجوز و ساختار - اصول ۲ تا ۵
- مقررات و الزامات احتیاطی - اصول ۶ تا ۱۵
- روش‌های نظارت بانکی مستمر - اصول ۱۶ تا ۲۰
- نیازهای اطلاعاتی - اصل ۲۱
- اختیارات رسمی بازرسان - اصل ۲۲
- بانکداری برون مرزی - اصول ۲۳ تا ۲۵

این سند علاوه بر خود اصول، به تشریح روش‌های متنوعی می‌پردازد که ناظران می‌توانند بوسیله آنها، اصول مزبور را به اجرا درآورند.

۵- لازم است موسسات ملی در نظارت بر کلیه واحدهای بانکی مستقر در حوزه حاکمیت خود، این اصول را بکار گیرند.<sup>۲</sup> این اصول حداقل الزامات را تشکیل می‌دهند و در بسیاری از موارد ممکن است نیاز به تکمیل آنها بوسیله معیارهای دیگری باشد که برای بررسی شرایط و ریسکهای خاص موجود در نظام مالی هر کشوری تدوین شده‌اند.

۶- اصول اساسی بال بر آن است تا بعنوان یک مرجع اصلی، مورد استفاده مراجع نظارتی و دیگر مقامات دولتی - در تمامی کشورها و در عرصه بین‌المللی - قرار گیرد. شیوه استفاده از این سند برای مراجع نظارتی کشوری - که بسیاری از آنها، فعالانه در پی تقویت رژیم نظارتی کنونی خود هستند - به این صورت خواهد بود که از آن برای بازنگری در ترتیبات نظارتی فعلی خود و اجرای برنامه تدوین شده برای شناسایی هرگونه نقصی - در چارچوب اختیارات قانونی و با حداکثر سرعت ممکن - استفاده نمایند.

این اصول بگونه‌ای تنظیم شده‌اند که بتوانند مورد تائید بازرسان، گروههای نظارتی منطقه‌ای، و تمامی بازار قرار گیرند. کمیته بال به‌مراه سایر سازمانهای ذیربط، میزان پیشرفت هر کشور در اجرای این اصول را زیر نظر خواهد داشت. پیشنهاد می‌شود صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و سازمانهای ذیربط دیگر در کمکهای خود - که بمنظور تقویت ترتیبات نظارتی تمامی کشورها و بالمآل ارتقاء ثبات مالی و وضعیت کلان اقتصادی آنها ارائه می‌کنند - از اصول مزبور استفاده نمایند. مقرر شده است نحوه اجرای این اصول در کنفرانس بین‌المللی ناظران بانکی در ماه اکتبر

---

۲- در کشورهایی که موسسات مالی غیربانکی به ارائه خدمات مالی - مشابه آنچه که بانکها ارائه می‌کنند - می‌پردازند نیز می‌توان بسیاری از اصول تدوین شده در این سند را مورد استفاده قرار داد.

سال ۱۹۹۸ و اجلاسهای دوسالانه پس از آن، مورد بازنگری قرار گیرد.<sup>۱\*</sup>

۷- در تمامی دنیا مراجع نظارتی ترغیب می‌شوند تا از این اصول پشتیبانی

نمایند. اعضای کمیته بال و ۱۶ سازمان نظارتی دیگری که در تهیه

پیش‌نویس این سند شرکت داشته‌اند، همگی با مفاد آن موافق هستند.

۸- روسای گروههای نظارتی منطقه‌ای<sup>۳</sup>، حامی تلاشهای کمیته بال بوده و

---

\*۱- همانطوریکه پیش از این اشاره شد متن حاضر در سپتامبر سال ۱۹۹۷ میلادی

نگارش یافته است (مترجم).

۳- کمیته نظارت بانکی عرب (Arab Committee on Banking Supervision)،

گروه بازرسان بانکی کارائیب (Caribbean Banking Supervisors Group)،

انجمن مراجع نظارت بانکی آمریکای لاتین و کارائیب

(Association of Banking Supervisory Authorities of Latin America and the Caribbean)،

گروه بازرسان بانکی آفریقایی شرقی و جنوبی

(Eastern and Southern Africa Banking Supervisors Group)، گروه

مطالعات نظارت بانکی وابسته به اجلاس اجرائی بانکهای مرکزی حوزه اقیانوس آرام و

شرق آسیا (EMEAP Study Group on Banking Supervision)،

گروه ناظران بانکی کشورهای اروپای مرکزی و شرقی

(Group of Banking Supervisors from Central and Eastern European Countries)،

کمیته بازرسان بانکی شورای همکاری خلیج فارس

(Gulf Cooperation Council Banking Supervisors' Committee)، گروه

ناظران بانکی برون مرزی (Offshore Group of Banking Supervisors)،

گروه نظارتی منطقه آسیای مرکزی و ماوراء قفقاز

(Regional Supervisory Group of Central Asia and Transcaucasia)،

مجمع بازرسان بانکی آسیای جنوب شرقی،

نیوزیلند و استرالیا (SEANZA Forum of Banking Supervisors)،

کمیته ناظران بانکی آفریقایی مرکزی و غربی

(Committee of Banking Supervisors in West and Central Africa).

آمادگی دارند تا حمایت از این اصول را، در میان کلیه اعضای خود افزایش دهند. مباحثی در جریان است تا نقش گروههای منطقه‌ای را در جلب حمایت از این اصول و در نظارت بر شیوه اجرای آنها بوسیله اعضا، تبیین نماید.

۹- به اعتقاد کمیته بال انطباق هر کشوری با اصول اساسی مزبور، گام مهمی در فرآیند بهبود ثبات مالی - چه در درون آن کشور و چه در عرصه بین‌المللی - به حساب می‌آید. سرعت دستیابی به این هدف متفاوت خواهد بود. در بسیاری از کشورها، ایجاد تغییراتی اساسی در نظام تقنینی و میزان اختیارات تفویض شده به بازرسان، ضروری است چرا که در حال حاضر، بسیاری از مراجع نظارتی از اختیارات قانونی لازم جهت اجرای تمامی این اصول برخوردار نیستند. در این رابطه، نظر کمیته بال این است که قانون‌گذاران در عرصه ملی، سریعاً نسبت به شناسائی تغییرات مورد نیاز اقدام کنند تا بدینوسیله از کاربرد این اصول در کلیه ابعاد خود، اطمینان حاصل نمایند.

۱۰- کمیته بال به فعالیتهای خود برای استانداردسازی در زمینه ریسکهای کلیدی و اجزاء اصلی نظارت بانکی ادامه خواهد داد همانگونه که پیش از این نیز در رابطه با اسناد منتشره در مجموعه رهنمودها، چنین نموده است. برای کار آتی کمیته بال که ممکن است در همکاری با بازرسان کشورهای غیرعضو گروه ۱۰ و گروههای منطقه‌ای آنها انجام پذیرد، اصول اساسی این کمیته به عنوان مبنا مورد استفاده قرار خواهد گرفت. این کمیته آمادگی دارد تا برای بکارگیری این اصول از سوی نهادهای

نظارتی و طرفهای ذینفع دیگر، از اقدامات ملی در این زمینه حمایت کند. نهایتاً ذکر این نکته ضروری است که کمیته بال، خود را به تقویت تعاملات با ناظرین کشورهای غیرعضو گروه ۱۰ متعهد دانسته و خواستار افزایش هرچه گسترده‌تر سرمایه‌گذاری در ارائه کمکهای فنی و آموزشی به اینگونه کشورها است.



## فهرست اصول اساسی برای نظارت بانکی اثر بخش

### پیش شرطهای لازم برای نظارت بانکی اثر بخش

۱- یک سیستم موثر نظارت بانکی برای هر موسسه‌ای که درگیر نظارت بر واحدهای بانکی است، اهداف و مسئولیتهای مشخصی دارد. این موسسات می‌بایست از استقلال عملیاتی و منابع کافی برخوردار باشند. همچنین وجود یک چارچوب مناسب قانونی برای نظارت بانکی ضروری است. چارچوبی که شامل موادی در خصوص صدور مجوز برای موسسات بانکی و نظارت مستمر بر آنها بوده، اختیاراتی را برای بررسی میزان انطباق عملکرد بانکها با قوانین و نیز صحت و سلامتی آن تفویض نموده و شامل حمایتهای قانونی از بازرسان باشد. تمهیدات لازم برای تبادل اطلاعات بین ناظران و حفظ جنبه‌های محرمانه اینگونه اطلاعات نیز به نوبه خود می‌بایست لحاظ گردد.

### صدور مجوز و ساختار

۲- لازم است فعالیتهای مجاز موسساتی که دارای مجوز فعالیت هستند و بعنوان بانک تحت نظارت قرار می‌گیرند، بطور واضح تعریف شده و استفاده از کلمه بانک در عناوین موسسات، تا آنجا که ممکن است تحت کنترل باشد.

۳- مرجع صادرکننده مجوز می‌بایست از این حق برخوردار باشد که معیارهایی را تعیین نموده و نسبت به رد درخواستهایی که منطبق با معیارهای مزبور نیستند، اقدام نماید. فرآیند صدور مجوز می‌بایست

حداقل موارد ذیل را شامل شود: ارزیابی ساختار مالکیت موسسه بانکی، هیات مدیره و مدیریت ارشد، برنامه عملیاتی و کنترل‌های داخلی آن، پیش‌بینی وضعیت مالی آن در آینده شامل سرمایه پایه، و در صورتیکه مالک پیشنهادی یا سازمان مرکزی آن یک بانک خارجی است، باید موافقت اولیه مراجع نظارتی کشور مبدا نیز اخذ شود.

۴- لازم است ناظران بانکی از این اختیار برخوردار باشند که به بررسی و رد هرگونه طرحی بپردازند که مستلزم انتقال بخش عمده‌ای از مالکیت به سایر اشخاص و یا کنترل منافع بانکهای موجود توسط آنها است.

۵- بازرسان بانکی باید از این اختیار برخوردار باشند که برای بررسی سرمایه‌گذارها یا خریدهای عمده یک بانک، معیارهایی را وضع نموده و اطمینان یابند که ساختارها یا ارتباطات شرکتی، بانک را در معرض ریسکهای ناخواسته قرار نداده یا مانع از نظارت کارآمد نمی‌شوند.

#### مقررات و الزامات احتیاطی

۶- بازرسان بانکی می‌بایست نسبت به تعیین الزامات احتیاطی و حداقل مناسبی از کفایت سرمایه برای کلیه بانکها اقدام نمایند. این الزامات باید به انعکاس ریسکهای بپردازند که بانکها متقبل آنها شده و اجزاء سرمایه را باتوجه به قابلیت آنها در جذب زیانها، تعریف نماید. حداقل برای بانکهایی که در عرصه بین‌المللی فعال هستند، این الزامات نباید از آنچه که در توافقنامه سرمایه بال<sup>۱\*</sup> و اصلاحیه‌های آن معین شده است، کمتر باشد.

---

۱\* - Basle Capital Accord

۷- یک بخش مهم از هر سیستم نظارتی، ارزیابی سیاستها، رویه‌ها و روشهای یک بانک در اعطای وام، انجام سرمایه‌گذاریها، مدیریت مستمر وامها و پرتفوی سرمایه‌گذاریها است.

۸- ناظران بانکی می‌بایست قانع شوند که بانکها برای ارزیابی کیفیت دارائیه‌ها و کفایت ذخائر و اندوخته‌های مطالبات سوخت شده؛ سیاستها، رویه‌ها و روشهای مناسبی را ایجاد نموده و به آنها پایبند هستند.

۹- ناظران بانکی می‌بایست مطمئن شوند که بانکها دارای سیستمهای اطلاعات مدیریتی هستند که مدیریت را قادر به شناسائی نقاط تمرکز پرتفوی می‌نماید. بازرسان باید با ایجاد محدودیتهای احتیاطی، از تمرکز مقدار منابع در معرض ریسک بانک<sup>۱\*</sup> بر روی یک متقاضی وام یا گروههایی از وام‌گیرندگان مرتبط، جلوگیری نمایند.

۱۰- به منظور پیشگیری از سوء استفاده‌های ناشی از ارائه وام به وابستگان<sup>۲\*</sup> بازرسان بانکها باید الزامات مناسبی را برای بانکها تعیین نمایند. الزاماتی مبنی بر اینکه ارائه وام از سوی بانکها به افراد و شرکتهای وابسته، مبتنی بر روابط غیرشخصی<sup>۳\*</sup> و تحت نظارت موثر بوده و اینکه جهت کنترل یا کاهش ریسکهای مزبور، تمهیدات مناسب دیگر نیز اندیشیده شده است.

۱۱- بازرسان بانکها می‌بایست مطمئن شوند که بانکها جهت شناسائی، نظارت و کنترل ریسک کشوری و ریسک انتقال وجوه در اعطای وامهای

---

۱\* - Exposures

۲\* - Connected lending

۳\* - On an arm's-length basis

بین‌المللی و فعالیتهای سرمایه‌گذاری خود، و نیز بمنظور حفظ ذخائر مکنفی

جهت پوشش این قبیل ریسکها، دارای سیاستها و رویه‌های مناسبی می‌باشند.

۱۲- بازرسان بانکها می‌بایست از این موضوع اطمینان حاصل نمایند که بانکها

دارای سیستمهایی هستند که بطور دقیق ریسکهای بازار را مورد سنجش و

نظارت قرار داده و آنها را بطور مناسبی کنترل می‌نمایند. در صورت لزوم،

بازرسان باید از اختیارات لازم جهت وضع محدودیتهای خاص و یا تعیین

سرمایه ویژه بیشتری - جهت پوشش مقدار منابعی که در معرض ریسک بازار

قرار دارند - برخوردار باشند.

۱۳- بازرسان بانکی می‌بایست مطمئن شوند که بانکها جهت شناسائی،

اندازه‌گیری، نظارت و کنترل تمامی ریسکهای مهم دیگر، دارای فرآیند

جامعی از مدیریت ریسک (شامل نظارت مناسب هیات مدیره و مدیریت

ارشد) بوده و در مواقع لزوم، به تخصیص سرمایه جهت مقابله با این قبیل

ریسکها، اقدام می‌کنند.

۱۴- ناظران بانکی باید مطمئن شوند که بانکها دارای کنترل‌های داخلی مناسبی

هستند که متناسب با ماهیت و مقیاس فعالیت آنها می‌باشد. این کنترلها

می‌بایست موارد ذیل را دربرگیرد:

- ترتیبات مشخصی برای تفویض اختیار و مسئولیت
- تفکیک وظائف تعهدآور بانک، پرداخت وجوه، و حسابداری دارائیهها و بدهی‌ها از یکدیگر
- رفع مغایرت از این فرآیندها
- محافظت از اموال بانک

- و حسابرسی مناسب و مستقل داخلی و خارجی و وظایف تطبیقی جهت

آزمون میزان پایبندی به این کنترلها و نیز به قوانین و مقررات ذیربط.

۱۵- بازرسان باید مطمئن شوند که بانکها دارای سیاستها، رویهها و روشهای

مکفی و مناسبی - از جمله مقررات صریح مربوط به «شناخت مشتری»<sup>۱\*</sup> -

هستند که معیارهای عالی اخلاقی و حرفه‌ای را در بخش مالی ارتقاء

بخشیده و مانع از سوء استفاده عمدی یا سهوی عوامل جنایتکار از بانک

می‌شوند.

#### روشهای نظارت بانکی مستمر

۱۶- یک سیستم نظارت بانکی موثر می‌بایست مشتمل بر اشکالی از هر دو شیوه

نظارت حضوری<sup>۲\*</sup> و غیر حضوری<sup>۳\*</sup> باشد.

۱۷- بازرسان می‌بایست بطور منظم با مدیریت بانک در تماس بوده و درک

جامعی از عملیات آن موسسه داشته باشند.

۱۸- ناظران بانکی باید دارای ابزارهایی باشند که بوسیله آنها، گزارشهای

احتیاطی و اطلاعات آماری را - بصورت انفرادی و تلفیقی - از بانکها

جمع‌آوری نموده و آنها را مورد مطالعه و تجزیه و تحلیل قرار دهند.

۱۹- ناظران بانکی باید ابزارهایی را جهت ارزیابی مستقل اطلاعات نظارتی - یا

از طریق بررسیهای حضوری و یا توسط حسابرسان خارجی - در اختیار

داشته باشند.

---

۱\* - Know-your-customer = مشتری خود را بشناس

۲\* - On-site supervision = نظارت حضوری، نظارت در محل، نظارت مستقیم

۳\* - Off-site supervision = نظارت غیر حضوری، نظارت از راه دور، نظارت غیرمستقیم

۲۰- توانائی بازرسان در نظارت یکپارچه بر روی یک گروه بانکی، عاملی

ضروری برای نظارت بانکی به حساب می‌آید.

### نیازهای اطلاعاتی

۲۱- ناظران بانکی می‌بایست مطمئن شوند که هر بانک سوابق کافی از فعالیتهای

خود را نگهداری می‌کند. سوابقی که براساس خط مشی‌ها و شیوه‌های رایج

حسابداری تهیه شده و برای بازرسان این امکان را فراهم می‌کند که

تصویری واقعی و منصفانه از وضعیت مالی و سودآوری عملیات تجاری آن

بانک کسب نمایند. علاوه بر این، باید این اطمینان حاصل شود که بانک

نسبت به انتشار منظم صورتهای مالی خود اقدام می‌کند. صورتهائی که

وضعیت آن بانک را بطور کامل منعکس می‌نمایند.

### اختیارات رسمی بازرسان

۲۲- لازم است ناظران بانکی، ابزارهای نظارتی مناسبی در اختیار داشته باشند

تا در زمانی که بانکها در تامین الزامات احتیاطی (از قبیل حداقل نسبت‌های

کفایت سرمایه) قصور ورزیده یا از ضوابط نظارتی سرپیچی کرده، و یا

هنگامیکه منافع سپرده‌گذاران به هر طریق دیگری در معرض خطر قرار

دارد، نسبت به انجام بموقع اقدامات اصلاحی اقدام نمایند. در شرایط حاد،

این امر می‌بایست شامل توانائی بازرسان در ابطال مجوز بانکی یا پیشنهاد

لغو آن باشد.

## بانکداری برون مرزی

۲۳- لازم است بازرسان بر روی آن دسته از واحدهای بانکی خود که در سطح بین‌المللی فعال هستند، نظارت تلفیقی جامعی را اعمال نمایند. این امر می‌تواند از طریق نظارت کافی و بکارگیری ضوابط احتیاطی مناسب برای کلیه جوانب عملیات جهانی انجام شده توسط این گروه از واحدهای بانکی - بخصوص در شعب خارجی، سرمایه‌گذارهای مشترک و واحدهای تابعه آنها - صورت پذیرد.

۲۴- ایجاد تماس و تبادل اطلاعات با سایر بازرسان ذیربط بخصوص با مراجع نظارتی کشور مقصد<sup>۱\*</sup>، بخش مهمی از نظارت تلفیقی را تشکیل می‌دهد.

۲۵- ناظران بانکی می‌بایست بانکهای خارجی را ملزم نمایند عملیات محلی خود را مطابق با استانداردهای عالی مشابهی انجام دهند که موسسات داخلی نیز ملزم به رعایت آنها هستند. همچنین لازم است بازرسان مذکور از اختیارات لازم جهت مبادله اطلاعات با بازرسان کشور مبدأ<sup>۲\*</sup> برخوردار باشند تا بدینوسیله بتوانند نظارتی تلفیقی را به اجرا درآورند.

---

۱\* - Host Country = کشور میزبان، کشور مقصد

۲\* - Home Country = کشور اصلی، کشور متبوع، کشور میهمان، کشور مادر

## بخش یک: مقدمه

نظارت کارآمد بر واحدهای بانکی، عاملی ضروری برای یک محیط قدرتمند اقتصادی به حساب می‌آید. محیطی که در آن نظام بانکی، نقشی محوری را در پرداخت ها، تجهیز و توزیع پس اندازها ایفا می‌نماید. وظیفه نظارت حصول اطمینان از این امر است که بانکها به شیوه‌ای ایمن و صحیح عمل نموده و اینکه جهت مقابله با ریسکهای بوجود آمده در این حرفه، از سرمایه و ذخائر کافی برخوردار هستند. نظارت بانکی قوی و اثربخش، خدمتی را برای عموم فراهم می‌آورد که امکان ندارد بتوان آنرا بطور کامل در بازار یافت. این نظارت به همراه سیاستهای موثر و کلان اقتصادی، برای ثبات مالی هر کشوری از اهمیتی حیاتی برخوردار است. هرچند هزینه نظارت بانکی حقیقتاً زیاد می‌باشد لیکن این امر ثابت شده است که هزینه نظارت ضعیف حتی از این هم بالاتر باشد.

در تنظیم این اصول اساسی برای نظارت کارآمد بانکی، در نظر داشتن

ملاحظات ذیل ضروریست:

- هدف اصلی نظارت، حفظ ثبات نظام مالی و اعتماد به آن از طریق کاهش ریسک زیان حاصله برای سپرده‌گذاران و سایر بستانکاران است.
- بازرسیین باید با حمایت از حاکمیت سهامی<sup>۱\*</sup> مطلوب (توسط ساختاری

---

۱\* - Corporate governance



مناسب و ایجاد مسئولیتهائی برای هیات مدیره و مدیریت ارشد بانک<sup>۴</sup> و بهبود شفافیت بازار و نحوه نظارت بر آن، انضباط حاکم بر بازار را تشویق نموده و آنرا دنبال نمایند.

- برای اینکه یک بازرسی بتواند وظایفش را به شیوه موثری به انجام برساند می‌بایست دارای استقلال عملیاتی بوده، ابزارها و اختیارات لازم جهت گردآوری اطلاعات به هر دو شیوه حضوری و غیرحضوری را در اختیار داشته و از اقتدار لازم جهت اعمال تصمیماتش برخوردار باشد.
- بازرسی باید ماهیت حوزه فعالیت برگزیده از سوی بانکها را درک نموده و تا حد ممکن اطمینان یابد ریسکهائی که بانکها خود را درگیر آن نموده‌اند، به شیوه مناسبی مدیریت می‌شوند.

---

۴- این نوشتار به ساختار مدیریت متشکل از هیات مدیره و مدیریت ارشد اشاره دارد. کمیته از این امر آگاهی دارد که تفاوت‌های مهمی بین چارچوب تقنینی و نظارتی کشورها در خصوص وظایف هیات مدیره و مدیریت ارشد وجود دارد. در برخی کشورها، وظیفه نظارت بر مجموعه اجرائی - اگرچه نه بطور کامل - برعهده هیات مدیره است تا بدینوسیله مطمئن شوند که مجموعه مزبور، وظایف خود را انجام می‌دهد. به همین دلیل در برخی موارد، از آن به عنوان هیات نظارت یاد می‌کنند. این امر بدین معنا است که هیات مذکور، دارای وظایف اجرائی نمی‌باشد. برعکس، در کشورهای دیگر، این هیات از صلاحیت بیشتری برخوردار است بدین صورت که چارچوب کلی مدیریت بانک را تعیین می‌نماید. بدلیل وجود این تفاوت‌ها، در این نوشتار، واژه‌های «هیات مدیره» و «مدیریت ارشد» نه برای شناخت واحدهای قانونی بلکه برای نامگذاری دو حوزه تصمیم‌گیری در درون بانک، بکار می‌رود.

- نظارت موثر بانکی مستلزم آن است که وضعیت ریسک هر بانک مورد ارزیابی قرار گرفته و براساس این ارزیابی، نسبت به تخصیص امکانات نظارتی اقدام نمود.
- بازرسیین باید یقین حاصل نمایند که بانکها برای تقبل ریسکهای مختلف، از امکانات مناسبی برخوردارند. امکاناتی نظیر سرمایه کافی، مدیریت موثر، گزارشهای حسابداری و نظامهای کنترلی موثر.
- همکاری نزدیک با سایر ناظرین - بخصوص در مواقعی که عملیات واحدهای بانکی، مرزهای ملی را در می نوردد - امری ضروری است.

نظارت بانکی باید به اشاعه یک نظام بانکی کارا و رقابتی بپردازد. نظامی که پاسخگوی نیازهای عمومی در زمینه دریافت خدمات مالی با کیفیت و با هزینه ای معقول باشد. بطور کل باید بر این موضوع واقف بود که بین میزان حفاظتی که نظارت فراهم می آورد و هزینه واسطه گری مالی، نوعی توازن برقرار است. هرچه انعطاف بانکها و نظام مالی نسبت به ریسک کمتر باشد احتمال افزایش هزینه ها و حوزه نفوذ نظارت افزایش می یابد. این امر در نهایت، اثرات معکوسی بر روی نوآوری و تخصیص منابع خواهد داشت.

**نظارت نمی تواند و نباید تضمین کند که بانکها ورشکسته نمی شوند. در یک**

**نظام اقتصادی مبتنی بر بازار، شکست بخشی از ریسک پذیری است. نحوه برخورد با این قبیل ناکامیها و تخصیص هزینه های آن، عمدتاً مقوله ای سیاسی به حساب می آید که تصمیماتی از قبیل «آیا لازم است جهت حمایت از نظام بانکی، از وجوه دولتی استفاده نمود و در این صورت میزان این حمایت چقدر خواهد بود» را در بر**

می‌گیرد. بنابراین همیشه نمی‌توان مسئولیت چنین امری را کاملاً متوجه ناظران دانست هرچند لازم است بازرسان جهت رفع موقعیتهای نامناسب بانک، تمهیدات کافی و شایسته‌ای را در نظر بگیرند.

بمنظور حمایت از نظارت کارآمد، وجود عوامل ساختاری ویژه‌ای ضرورت دارد. درجائیکه چنین عواملی وجود ندارند، بازرسین باید درصدد ترغیب دولت به ایجاد آنها (و ایفای نقشی در طراحی و توسعه آنها) برآیند. این عوامل در بخش ۲ مورد بحث قرار گرفته‌اند.

در برخی کشورها، مسئولیت صدور مجوز برای بانکها، از فرآیند نظارت جاری آنها جدا می‌باشد. قطعاً این امر ضرورت دارد که فرآیند صدور مجوز - صرفنظر از مرجعی که این مسئولیت به آن واگذار شده است - نسبت به ایجاد استانداردهائی عالی، نظیر آنچه که درخصوص فرآیند نظارت مستمر وجود دارد، اقدام نماید. نظارتی که تمرکز اصلی این نوشتار بر آن واقع شده است. بنابراین بخش ۳ برخی از اصول و مباحثی را که می‌بایست در رابطه با فرآیند صدور مجوز دنبال نمود، به بحث می‌گذارد.

اصول اساسی نظارت بانکی که در بالا به آن اشاره شد و در بخشهای ۳ و ۴ این نوشتار شرح داده شده است مبنای لازم جهت دستیابی به یک نظام نظارتی سالم را فراهم می‌آورد. لازم است هنگام کاربرد این استانداردها، به ویژگیهای محلی نیز توجه نمود. این استانداردها ضروری هستند لیکن ممکن است به خودی خود و در تمامی شرایط، کافی نباشند. نظامهای نظارتی می‌بایست ماهیت بازار بانکی محلی و ریسکهای موجود در آن و نیز زیرساختار کلی منطقه را مدنظر قرار دهند. بنابراین هر کشوری باید به این موضوع توجه نماید که تا چه حد لازم است استانداردهای حاضر را با افزودن الزامات دیگر تکمیل کرده و

بدینوسیله نسبت به بررسی شرایط عمومی و ریسکهای خاص حاکم بر بازار خود، اقدام نماید. علاوه بر این، نظارت بر بانکها وظیفه‌ای است پویا که می‌بایست نسبت به تغییرات در بازار، واکنش نشان دهد. در نتیجه بازرسان باید از این آمادگی برخوردار باشند که سیاستها و دستورالعملهای نظارتی خود را - بطور ادواری و در پرتوگرایش‌ها و پیشرفتهای حاصله - مورد ارزیابی مجدد قرار دهند. برای انجام چنین امری، وجود یک چارچوب قانونی که به اندازه کافی انعطاف‌پذیر باشد، ضروری است.

## بخش دو: پیش‌شرط‌های لازم برای نظارت بانکی موثر

نظارت بانکی تنها بخشی از تمهیدات وسیعتری است که جهت ارتقاء

ثبات در بازارهای مالی مورد نیاز است. این تمهیدات شامل:

- ۱- سیاست‌های موثر و مناسب در زمینه اقتصاد کلان
- ۲- یک زیرساخت عمومی کاملاً توسعه یافته
- ۳- انضباط موثر بازار
- ۴- روش‌هایی برای حل کارآیی مسائل بانکیها
- ۵- سازوکارهایی برای تامین سطح مناسبی از حفاظت نظام‌مند<sup>۱\*</sup> (یا شبکه ایمنی جامع<sup>۲\*</sup>)

۱- ایجاد سیاست‌های موثر و مناسب در زمینه اقتصاد کلان، در صلاحیت ناظرین بانکی نمی‌باشد. با وجود این، چنانچه ناظرین احساس نمایند که سیاست‌های موجود به تضعیف سلامت و ایمنی نظام بانکی می‌انجامد می‌بایست نسبت به آن واکنش نشان دهند. زمانیکه سیاست‌های موثری در زمینه اقتصاد کلان وجود ندارد ناظرین بانکی با وظایفی مواجه خواهند شد که انجام آنها عملاً غیرممکن است. بنابراین لازم است سیاست‌های موثر در زمینه اقتصاد کلان، مبنای یک نظام با ثبات مالی را تشکیل دهد.

۲- یک زیرساخت عمومی کاملاً توسعه یافته می‌بایست تسهیلات ذیل را فراهم آورد. تسهیلاتی که اگر به حد کافی تامین نشوند می‌توانند به ایجاد بی‌ثباتی گسترده در نظام‌های مالی بیانجامند:

---

۱\* – Systemic protection

۲\* – Public safety net

- نظامی از قوانین تجاری شامل قوانین شرکتی، قوانین مربوط به ورشکستگی، قوانین مربوط به امور قراردادها، قوانین مربوط به حفاظت از منافع مشتری و قوانین مربوط به مالکیت خصوصی. قوانینی که بطور پیوسته جریان داشته و برای حل بیطرفانه مناقشات، سازوکاری را فراهم می‌آورند.

- اصول و قواعد جامع و واضح حسابداری که از مقبولیت گسترده بین‌المللی برخوردارند.

- نظامی از حسابرسی مستقل برای شرکت‌هایی با ابعاد وسیع، بطوریکه استفاده‌کنندگان از صورتهای مالی از جمله بانکها، بطور مستقل اطمینان یابند که حسابها، چشم‌اندازی درست و منصفانه از وضعیت مالی آن شرکت ارائه نموده و بر مبنای اصول موضوعه حسابداری، توسط حسابرسی تهیه شده است که در قبال کارشان پاسخگو می‌باشند.

- نظارت کارآمد بانکی (همانگونه که عنوان این نوشتار به آن اشاره دارد).
- حاکمیت مقررات کاملاً واضح و نظارت کافی بر بازارهای مالی و در صورت لزوم بر فعالان آنها.

- وجود یک سیستم پایاپای و پرداخت کاراً و مطمئنی برای تسویه مبادلات مالی، در مواقعی که ریسکهای مربوط به طرف مقابل تحت کنترل است.

۳- انضباط موثر بازار به عوامل ذیل بستگی دارد: جریانی کافی از اطلاعات برای فعالان بازار، مشوقهای مالی مناسب جهت ارائه پاداش به موسساتی که بخوبی اداره شده‌اند و وجود تمهیداتی که اطمینان می‌دهند سرمایه‌گذاران از عواقب تصمیمات خود، مبری نمی‌باشند. در میان موضوعاتی که می‌بایست

مورد بحث قرار گیرند می‌توان به حاکمیت سهامی و حصول اطمینان از این امر که سپرده‌گیران اطلاعات صحیح، ارزشمند، شفاف و بموقعی را برای سرمایه‌گذاران و بستانکاران فراهم می‌آورند، اشاره نمود.

چنانچه دولتها بخواهند جهت دستیابی به اهداف مربوط به سیاستهای بخش عمومی، در صدد اعمال نفوذ بر تصمیمات تجاری - بخصوص تصمیمات مربوط به اعطای وام - برآمده یا آنها را نادیده بگیرند ممکن است علائم بازار وارونه جلوه نموده و نظم حاکم بر آن تضعیف شود. در چنین شرایطی این امر اهمیت می‌یابد که چنانچه در قبال اعطای این قبیل وامها، تضمین‌های لازم اخذ شده است آنها را افشاء نموده و بمنظور پرداخت غرامت به موسسات مالی به هنگام عدم ایفای تعهدات، ترتیبات لازم را اتخاذ نمود.

۴- بمنظور حل کارآی مشکلات در بانکها، دارا بودن اختیاراتی که از انعطاف کافی برخوردار باشند، امری ضروری است. معمولاً ناظرین به هنگام مواجهه با مسائل قابل حل، در صدد شناسائی و اجرای راه‌حلهائی بر می‌آیند که بطور کامل به موضوعات مورد علاقه آنها می‌پردازند و زمانی که مسائل آنها قابل حل نمی‌باشند خروج فوری و منظم موسساتی که بیش از این قادر به تامین الزامات نظارتی نیستند، بخشی ضروری از یک نظام مالی کارآ را تشکیل می‌دهد. خودداری از این امر - خواه نتیجه فشارهای سیاسی باشد یا خیر - بالطبع به وخامت اوضاع و افزایش هزینه‌های مربوط به رفع مشکلات می‌انجامد. موسسه نظارتی می‌بایست مسئولیت خروج منظم بانکهای دارای مشکل را برعهده داشته یا به این امر کمک نماید تا اطمینان حاصل شود که سپرده‌گذاران به کاملترین شکل ممکن از منابع بانک (که ممکن است

تحت پوشش نوع مناسبی از بیمه سپرده‌گذاری قرار گرفته باشد<sup>۵</sup> - و پیش از سهامداران، طلبکاران فرعی و دیگر اشخاص مرتبط - بازپرداخت می‌شود. در برخی موارد، ممکن است منافع سپرده‌گذاران در اثر نوعی تجدید ساختار مثلاً تملک بانک بوسیله یک موسسه قوی‌تر یا تزریق سرمایه جدید یا تغییر سهامداران آن، به بهترین وجه ممکن تامین شود. ممکن است بازرسان قادر به تسهیل چنین پیامدهائی باشند. ضروری است نتیجه نهائی این امر، کلیه الزامات نظارتی را بطور کامل برآورده نموده و در یک چارچوب زمانی کوتاه و معین، عملاً بتوان به این مهم دست یافت و مطمئن شد طی این مدت نیز از منافع سپرده‌گذاران محافظت می‌شود.

۵- تصمیم‌گیری راجع به سطح مناسبی از حفاظت نظام‌مند، روی هم رفته یک مقوله سیاستی است که می‌بایست توسط مراجع ذیربط (شامل بانک مرکزی) به آن پاسخ داده شود بخصوص در مواقعی که ممکن است این موضوع به ایجاد تعهد برای وجوه عمومی بیانجامد. همچنین ناظران بدلیل دانش عمیقی که پیرامون موسسات ذیربط دارند از نقشی غیرقابل انکار در این زمینه برخوردارند. توجه به این نکته مهم است که بمنظور حفظ استقلال عملیاتی بازرسان، بین وظیفه حفاظت نظام‌مند (یا شبکه ایمنی) و نظارت روزمره بر روی موسساتی که قادر به پرداخت دیون خود هستند، تمایزی آشکار قائل شد. به هنگام برخورد با مباحث نظام‌مند، از یکسو توجه به ریسک‌هایی که اعتماد به نظام مالی را خدشه‌دار نموده، به دیگر موسسات سالم نیز سرایت

---

۵- از آنجاکه بیمه سپرده‌گذاری با مقوله نظارت بانکی در ارتباط است، در ضمیمه ۲ برخی از اصول اساسی در این زمینه مورد بحث قرار گرفته‌اند.



می‌نمایند ضرورت خواهد یافت و از سوی دیگر، نیاز به حداقل ساختن تعابیر نابجا از علائم بازار و نظم حاکم بر آن. هنگامیکه این عوامل وجود داشته باشند حتی در صورت وجود تمهیدات بیمه‌ای نیز ممکن است این مسائل بوجود آیند.

## اصل ۱:

یک سیستم موثر نظارت بانکی برای هر موسسه‌ای که درگیر نظارت بر واحدهای بانکی است، اهداف و مسئولیت‌های مشخصی دارد. این موسسات می‌بایست از استقلال عملیاتی و منابع کافی برخوردار باشند. همچنین وجود یک چارچوب مناسب قانونی برای نظارت بانکی ضروری است. چارچوبی که شامل موادی در خصوص صدور مجوز برای موسسات بانکی و نظارت مستمر بر آنها بوده، اختیاراتی را برای بررسی میزان انطباق عملکرد بانکها با قوانین و نیز صحت و سلامتی آن تفویض نموده و شامل حمایت‌های قانونی از بازرسان باشد. تمهیدات لازم برای تبادل اطلاعات بین ناظران و حفظ جنبه‌های محرمانه اینگونه اطلاعات نیز به نوبه خود می‌بایست لحاظ گردد.

این استاندارد به نوبه خود مستلزم وجود اجزاء ذیل است:

- چارچوبی مشخص، قابل دسترسی و یکدست از اهداف و مسئولیت‌هایی که قانون برای بازرسی (یا هر یک از بازرسان) ذیربط تعیین نموده است لیکن این چارچوب می‌بایست مبتنی بر استقلال عملیاتی باشد تا بدینوسیله فراغت بازرسان از هرگونه فشار سیاسی را تداوم بخشیده، آنها را در زمینه دستیابی به اهداف مذکور پاسخگو بداند.
- وجود منابع کافی (شامل کارکنان، سرمایه و فناوری) برای دستیابی به اهداف تعیین شده. منابعی که تحت شرایطی فراهم شده باشند که استقلال، انسجام و آزادی عمل موسسه نظارتی را تضعیف نمایند.

- نظامی از قوانین بانکی که موارد ذیل را دربرگیرد:
  - حداقل استانداردهائی را که لازم است بانکها به آنها دست پیدا کنند، ایجاد نماید.
  - از نظر اداری این امکان را به بازرسان بدهد که برای ایجاد مقررات احتیاطی، در صورت نیاز از انعطاف کافی برخوردار باشند تا بدینوسیله به مجموعه اهداف تعیین شده دست یافته و از قضاوت‌های کیفی استفاده نمایند.
  - اختیارات لازم برای جمع‌آوری و تأیید مستقل اطلاعات را فراهم آورد.
  - به بازرسان این اختیار را بدهد که به هنگام عدم رعایت الزامات احتیاطی (از سوی بانکها)، مجازات‌هایی را برای آنها در نظر بگیرند (از جمله اختیار عزل افراد، درخواست اعمال تحریم و ابطال مجوز).
  - محافظت کارکنان (معمولاً بوسیله قانون) از مسئولیت‌های شخصی و سازمانی، در برابر اقدامات نظارتی که در راستای اجرای وظائف ذیربط، صادقانه انجام می‌شود.
- وجود یک نظام همکاری در بین موسسات و مبادله اطلاعات ذیربط بین موسسات رسمی داخلی و خارجی مختلفی که مسئولیت ایمنی و سلامت نظام مالی را برعهده دارند. این همکاری می‌بایست بوسیله تمهیداتی که جهت حفاظت از جنبه محرمانه اطلاعات نظارتی اندیشیده شده است و نیز تضمین این امر که از آنها فقط برای نظارت موثر بر موسسات ذیربط استفاده می‌شود، تقویت شود.

## بخش سه: فرآیند صدور مجوز و تصویب تغییرات ساختاری

### اصل ۲:

لازم است فعالیتهای مجاز موسساتی که دارای مجوز فعالیت هستند و بعنوان بانک تحت نظارت قرار می‌گیرند، بطور واضح تعریف شده و استفاده از کلمه بانک در عناوین موسسات، تا آنجا که ممکن است تحت کنترل باشد.

### اصل ۳:

مرجع صادرکننده مجوز می‌بایست از این حق برخوردار باشد که معیارهایی را تعیین نموده و نسبت به رد درخواستهایی که منطبق با معیارهای مزبور نیستند، اقدام نماید. فرآیند صدور مجوز می‌بایست حداقل موارد ذیل را شامل شود: ارزیابی ساختار مالکیت موسسه بانکی، هیات مدیره و مدیریت ارشد، برنامه عملیاتی و کنترلهای داخلی آن، پیش‌بینی وضعیت مالی آن در آینده شامل سرمایه پایه، و در صورتیکه مالک پیشنهادی یا سازمان مرکزی آن یک بانک خارجی است، باید موافقت اولیه مراجع نظارتی کشور مبداء نیز اخذ شود.

برای دسترسی آسانتر به یک نظام مالی سالم و تعیین دقیق موسساتی که می‌بایست تحت پوشش نظارت قرار گیرند، لازم است تشریفات صدور مجوز برای واحدهای بانکی و حیطه فعالیتهایی را که تحت پوشش این مجوزها قرار دارند، به دقت تعریف نمود. بخصوص فعالیت اخذ سپرده بانکی خاص از عموم مردم، نوعاً می‌بایست مختص موسساتی باشد که دارای مجوز بانکی بوده و تحت نظارت قرار دارند. باید واژه «بانک» را به روشنی تعریف نمود و تا حد امکان،

استفاده از کلمه «بانک»<sup>۶</sup> در اسامی موسسات را تحت کنترل داشت بخصوص در مواقعی که ممکن است موسسات بدون مجوزی که تحت نظارت قرار ندارند، با استفاده از کلمه «بانک» در عناوین خود، تلویحاً و به نحو دیگری موجب اغفال مردم شوند.

چنانچه نظارت بانکی مبتنی بر سیستمی باشد که برای شروع به فعالیت موسسات سپرده‌پذیر (و در جای خود برای هر نوع موسسه مالی)، اقدام به صدور مجوز (یا پروانه) نماید، بازرسان از ابزارهای لازم جهت تعیین موسساتی که می‌بایست تحت نظارت قرار گیرند، برخوردار شده و ورود به نظام بانکی تحت کنترل در خواهد آمد. مرجع صادرکننده مجوز می‌بایست مشخص نماید که واحدهای بانکی جدید از سهامدارانی لایق، قدرت مالی کافی، ساختاری قانونی و متناسب با ساختار عملیاتی آن و مدیریتی که دارای تخصص و تعهد کافی جهت اداره بانک به شیوه‌ای موثر و محتاطانه است، برخوردار می‌باشد. این نکته حائز اهمیت است که معیارهای صدور مجوز با معیارهایی که در نظارت کنونی بکار گرفته می‌شوند، همخوانی داشته باشد بطوریکه به هنگام عدم رعایت معیارهای مزبور از سوی یک موسسه دایر، بتوان بعنوان یکی از مبانی لغو مجوز به آنها استناد نمود. در مواقعی که مراجع نظارتی و صادرکننده مجوز متمایز از یکدیگر هستند همکاری نزدیک آنها با یکدیگر در فرآیند صدور مجوز ضروری است. نیز مرجع نظارتی باید از این حق قانونی برخوردار باشد که نقطه نظراتش توسط مرجع صادرکننده مجوز لحاظ گردد.

---

۶- این موضوع شامل کلیه مشتقات کلمه «بانک» از جمله «بانکی» نیز می‌شود.

همچنین وجود معیارهای عینی و شفاف، امکان مداخلات سیاسی را در فرآیند صدور مجوز کاهش می‌دهد. هرچند فرآیند صدور مجوز نمی‌تواند این موضوع را تضمین کند که یک بانک پس از افتتاح، به خوبی عمل می‌کند لیکن این فرآیند می‌تواند روشی اثربخش در کاهش تعداد موسسات بی‌ثباتی باشد که به نظام بانکی وارد می‌شوند. برای اینکه تعداد ورشکستگی‌های بانکی و میزان خسارات وارده به سپرده‌گذاران را محدود نمود می‌بایست نسبت به ایجاد مقررات صدور مجوز و ابزارهای نظارتی لازم اقدام کرد. این امر می‌بایست بدون آنکه با ایجاد موانع ورودی به کاهش کارائی و رقابت در صنعت بانکداری بیانجامد، صورت پذیرد. برای حفظ اعتماد عمومی به نظام بانکی، وجود این دو عامل ضروری است.

با ایجاد معیارهای دقیقی برای بررسی درخواست مجوز بانکی، مرجع صادرکننده مجوز باید از این حق برخوردار باشد که در صورت عدم اطمینان، به رد درخواست‌هایی بپردازد که به این مجموعه از معیارها دست نیافته‌اند. فرآیند صدور مجوز می‌بایست حداقل موارد ذیل را شامل شود: ارزیابی ساختار مالکیت موسسه بانکی، هیات مدیره و مدیریت ارشد، برنامه عملیاتی و کنترل‌های داخلی آن، پیش‌بینی وضعیت مالی آن در آینده از جمله کفایت سرمایه، و در صورتیکه مالک پیشنهادی آن یک بانک خارجی است، باید موافقت اولیه مراجع نظارتی کشور مبداء نیز اخذ شود.

#### **الف- ساختار مالکیت**

بازرسان باید قادر به ارزیابی ساختار مالکیت واحدهای بانکی باشند. این ارزیابی می‌بایست شامل آن دسته از سهامدارانی باشد که بطور مستقیم یا

غیرمستقیم، عمده<sup>۷</sup> و اثرگذار هستند. این ارزیابی می‌بایست اقدامات مخاطره‌آمیز شغلی سهامداران موثر را، در گذشته و در زمینه‌های بانکی و غیربانکی مورد بررسی قرار داده، صلاحیت و جایگاه آنها را در محافل تجاری مطالعه نماید. همچنین بررسی قدرت مالی کلیه سهامداران عمده و توانایی آنها جهت ارائه حمایت‌های مالی بیشتر در مواقع مورد نیاز، ضروریست. بعنوان بخشی از فرآیند بررسی صلاحیت و منزلت سهامداران اثرگذار، بازرسی باید به تعیین منشاء اولیه سرمایه‌ای بپردازد که قرار است سرمایه‌گذاری شود.

**در مواقعی که یک بانک، بخشی از یک سازمان بزرگتر می‌باشد مراجع نظارتی و صادرکننده مجوز می‌بایست این موضوع را مشخص نمایند که ساختار سازمانی و مالکیت آن، نقطه ضعف بانک محسوب نشده، بلکه موجب می‌شوند ریسک وارده به سپرده‌گذاران، به حداقل خود برسد. ریسکی که ممکن است در اثر اقدامات انجام شده از سوی سایر واحدهای سازمان اصلی، به این بانک سرایت نماید. لازم است سایر منافع سهامداران عمده بانک کنترل شده و وضعیت مالی این اشخاص ذیربط، مورد ارزیابی قرار گیرد. از بانک نباید بعنوان یک منبع مالی که تحت سلطه مالکان آن است، استفاده نمود. به هنگام ارزیابی ارتباطات شرکتی<sup>۱\*</sup> و ساختار بانک پیشنهاد شده‌ای که بخشی از یک مجموعه را تشکیل می‌دهد، مراجع نظارتی و صادرکننده مجوز می‌بایست این موضوع را تعیین نمایند که آیا برای شناسایی افرادی که مسئولیت سلامت عملیات بانک برعهده آنان است شفافیت**

---

۷- در بسیاری از کشورها، از سهامدار «عمده» بعنوان فردی یادشده است که ۱۰٪ از سرمایه مالی یک بانک یا بیش از آن را در اختیار دارد.

۱\* - Corporate affiliations

کافی وجود خواهدداشت یا خیر. نیز حصول اطمینان از این امر که افراد مزبور جهت ارائه واکنش سریع به الزامات و توصیه‌های نظارتی، از آزادی عمل کافی در درون ساختار آن مجموعه برخوردار هستند یا خیر، مستلزم پاسخ به سوال پیشین است. سرانجام، مراجع نظارتی و صادرکننده مجوز می‌بایست از این اختیار برخوردار باشند که مانع از شکل‌گیری آن دسته از ساختارها یا ارتباطات شرکتی‌ای شوند که نظارت موثر بر بانکها را مختل می‌سازند. این امر می‌تواند شامل آن دسته از ساختارهایی شود که اجزاء مهم آنها، در حوزه‌های قضائی واقع شده‌اند که قوانین حفظ اسرار یا عدم نظارت کافی در زمینه‌های مالی، همچون موانعی مهم در این زمینه عمل نموده و نیز نظامهایی که در آن، کنترل بانکهایی با ساختار مشابه، در اختیار مالکان واحدی قرار دارد. ساختارهایی که بدلیل عدم وجود ارتباط مستقیم سازمانی، نمی‌توانند تحت نظارت تلفیقی قرار گیرند.

#### **ب- برنامه عملیاتی، نظامهای کنترلی و سازمان درونی**

عامل دیگری که می‌بایست در خلال فرآیند صدور مجوز مورد بررسی قرار گیرد عبارت از عملیات و استراتژیهای پیشنهادی برای آن بانک است. برنامه عملیاتی می‌بایست محدوده‌ای از بازار را که بانک مزبور مایل به انجام اکثر عملیات خود در آن است، تشریح و تحلیل نموده و برای عملیات جاری بانک، یک استراتژی تدوین نماید. همچنین لازم است که طرح مزبور، نحوه سازماندهی و کنترل داخلی در آن بانک را تشریح کند. موسسه صادرکننده مجوز می‌بایست مشخص نماید که آیا تدابیر فوق، با استراتژی پیشنهادی همخوانی دارند و آیا سیاستها و رویه‌های اتخاذ شده داخلی مکفی بوده، و از منابع کافی استفاده می‌شود. این موضوع

می‌بایست شامل تعیین این نکته باشد که آیا حاکمیت سهامی مناسبی (ساختاری مدیریتی با مسئولیت‌های مشخص، هیات مدیره‌ای با توان اعمال نظارتی مستقل بر مدیریت، حسابرسی مستقل و وظائف تطبیقی) به مورد اجرا گذاشته شده است و آیا از «اصل نظارت دقیق»<sup>۱\*</sup> (تفکیک وظایف مختلف، بازبینی متقابل، کنترل مجدد دارائیه‌ها، امضاهای دونفره و غیره) پیروی می‌شود. تعیین این نکته ضروری است که ساختارهای قانونی و عملیاتی بانکها، مانع اعمال هیچیک از نظارت‌های انفرادی و تلفیقی نشده و بازرس ذیربط نیز به مدیریت و اطلاعات، دسترسی کافی داشته باشد. از اینرو در مواقعی که دفتر مرکزی یک بانک در خارج از حوزه قضائی بازرسان قرار دارد آنها نباید نسبت به اعطای مجوز به آن بانک اقدام نمایند مگر اینکه بازرس اطمینان داشته باشد که به مدیریت و اطلاعات دسترسی کافی خواهدداشت (در این خصوص به بخش ث که ذیلاً به بررسی صدور مجوز برای بانکهای به ثبت رسیده در خارج می‌پردازد، رجوع شود).

#### پ- آزمون صلاحیت و شایستگی در خصوص هیات مدیره و مدیران ارشد

یکی از جنبه‌های کلیدی فرآیند صدور مجوز، ارزیابی صلاحیت، شایستگی و توانمندی‌های مدیریت پیشنهادی از جمله اعضا هیات مدیره می‌باشد.<sup>۸</sup> باید موسسه صادرکننده مجوز، اطلاعات ضروری پیرامون اعضا هیات مدیره و مدیران ارشد را کسب نماید تا بدینوسیله شناختی از تجربه فردی و جمعی آنها در زمینه

---

۱\* – Four eyes principle

۸- در رابطه با ارزیابی «صلاحیت و شایستگی»، توجه به این نکته ضروری است که در جای مناسب می‌توان بین هیات نظارتی و هیات عامل تفکیک قائل شد.



امور بانکی، سایر تجارب شغلی، صلاحیت فردی و مهارت‌های مربوطه آنان کسب نمایند. این ارزیابی مدیریت می‌بایست شامل انجام بررسی‌هایی در رابطه با پیشینه افراد مذکور باشد بدین معنا که آیا سوابق قبلی از جمله احکام نظارتی و قضائی صادره، به ایجاد تردید در مورد شایستگی، سلامت عقل یا صداقت آنها می‌انجامد یا خیر. توجه به این موضوع حیاتی است که تیم پیشنهادی برای تصدی مدیریت بانک، شامل تعداد کافی از افرادی باشد که در زمینه امور بانکی، از سوابق قابل توجهی برخوردار باشند. بازرسان باید از این اختیار برخوردار باشند که بانکها را ملزم نمایند تغییرات آتی در هیات مدیره و مدیریت ارشد خود را اطلاع داده و مانع آن دسته از انتصابات شونند که به زعم آنها، برای منافع سپرده‌گذاران مضر است.

#### ت- پیش‌بینی‌های مالی از جمله پیش‌بینی سرمایه

موسسه صادرکننده مجوز باید پیش‌بینی‌ها و صورتهای مالی مقدماتی مربوط به بانک پیشنهادی را بررسی نماید. این بررسی می‌بایست مشخص نماید که آیا بانک از سرمایه کافی جهت حمایت از برنامه استراتژیک پیشنهادی خود - بخصوص با توجه به هزینه‌های راه‌اندازی و زیانهای عملیاتی احتمالی در مراحل اولیه - برخوردار است یا خیر. علاوه بر این، مرجع صادرکننده مجوز می‌بایست این موضوع را مورد ارزیابی قرار دهد که آیا پیش‌بینی‌های انجام شده از استحکام لازم برخوردار بوده، مبتنی بر واقعیت هستند یا خیر و آیا احتمال خودکفائی بانک پیشنهاد شده می‌رود. در بسیاری از کشورها، مراجع صادرکننده مجوز، حداقلی را برای مقدار سرمایه اولیه تعیین نموده‌اند. همچنین موسسه صادرکننده مجوز می‌بایست توانائی سهامداران را جهت ارائه حمایت‌های بیشتر، در مواقع مورد نیاز و

هنگامیکه بانک مزبور فعالیت‌های خود را شروع کرده است، در نظر داشته باشد. در صورتیکه یک شرکت، سهامدار عمده بانک باشد می‌بایست وضعیت مالی شرکت مادر از جمله توان سرمایه آن نیز مورد ارزیابی قرار گیرد.

ث- اخذ موافقت اولیه از بازرسان کشور مبدا، در مواقعی که مالک پیشنهادی یک بانک خارجی است (بند ب از بخش شش را نیز ملاحظه فرمائید).

زمانی که یک بانک خارجی، شعبه‌ای از یک گروه بانکی خارجی، و یا یک موسسه مالی غیربانکی خارجی (که تحت پوشش یک مرجع نظارتی قرار دارد)، پیشنهاد ایجاد یک بانک محلی یا دفتر نمایندگی را ارائه می‌نماید، مرجع صادرکننده مجوز می‌بایست این موضوع را مورد بررسی قرار دهد که آیا آنها به استانداردهای حداقل بال<sup>۹</sup> و<sup>۱\*</sup> دست یافته‌اند و بخصوص تازمانی که موافقت بازرسان آن بانک یا گروه بانکی در کشور مبدا، اخذ نشده است بطور معمول نباید نسبت به صدور مجوز برای آنها اقدام نمود. همچنین مرجع نظارتی در کشور مقصد می‌بایست این موضوع را بررسی نماید که آیا مراجع نظارتی کشور مبدا، وظیفه نظارت تلفیقی خود را به خوبی انجام می‌دهند.<sup>۱۰</sup> در ارزیابی این موضوع که

---

۹- مقاله «استانداردهای حداقل برای نظارت بر گروه‌های بانکی بین‌المللی و تشکیلات برون مرزی آنها» از جلد سوم مجموعه رهنمودها را ملاحظه نمائید.

۱\* - The Basle Minimum Standards

۱۰- برای دریافت رهنمون راجع به ارزیابی این موضوع که آیا یک مرجع نظارتی چنین وظایفی را به خوبی انجام می‌دهد به بخش «نظارت بانکی برون مرزی» (پیوست ب) از جلد سوم مجموعه رهنمودها مراجعه نمائید.

آیا نظارت تلفیقی شایسته‌ای به مورد اجرا گذاشته می‌شود یا خیر، مرجع صادرکننده مجوز در کشور مقصد می‌بایست نه تنها ماهیت و حیطة عملکرد نظام نظارتی کشور مبدا را در نظر بگیرد بلکه باید مطمئن شود که ساختار واحد متقاضی یا واحدهای تابعه آن، به گونه‌ای نیست که مانع از نظارت کارآمد مراجع نظارتی کشورهای مبدا و مقصد شود.

### ج- نقل و انتقال سهام یک بانک

#### اصل ۴:

لازم است ناظران بانکی از این اختیار برخوردار باشند که به بررسی و رد هرگونه طرحی بپردازند که مستلزم انتقال بخشی عمده‌ای از مالکیت به سایر اشخاص و یا کنترل منافع بانکهای موجود توسط آنها است.

ناظران بانکی، علاوه بر صدور مجوز برای بانکهای جدید می‌بایست از هرگونه افزایش یا سرمایه‌گذاری عمده، که متعاقباً و بصورت مستقیم یا غیرمستقیم در بانک مزبور صورت می‌پذیرد و نیز هرگونه تغییر دیگری در مالکیت آن که از حد مشخصی بیشتر است، مطلع شده و از این اختیار برخوردار باشند که چنانچه این قبیل سرمایه‌گذاری‌ها با معیارهای مصوب برای موافقت با ایجاد بانکهای جدید، منطبق نبود از شکل‌گیری یا اعمال حق رای به نفع آنها جلوگیری نمایند. برای انتقال مالکیت یا احراز حق رای، اغلب به صدور اطلاعیه‌هایی نیاز است که شامل درصدهای معینی از سهام موجود<sup>۱\*</sup> یک بانک می‌باشد.<sup>۱۱</sup> ممکن

---

سهام موجود در دست سهامداران = Outstanding shares \* ۱

۱۱- عموماً این درصدهای رسمی بین ۵ تا ۱۰ درصد در نوسان هستند.

است دامنه تائید تغییرات عمده در مالکیت، بیش از آن چیزی باشد که برای صدور اطلاعات به آن نیاز است.

### **چ- سرمایه‌گذارها یا خریدهای عمده یک بانک**

#### **اصل ۵:**

بازرسان بانکی باید از این اختیار برخوردار باشند که برای بررسی سرمایه‌گذارها یا خریدهای عمده یک بانک، معیارهایی را وضع نموده و اطمینان یابند که ساختارها یا ارتباطات شرکتی، بانک را در معرض ریسکهای ناخواسته قرار نداده یا مانع از نظارت کارآمد نمی‌شوند.

در بسیاری از کشورها، هنگامیکه یک بانک مجوز شروع بکار خود را دریافت می‌دارد ممکن است اقدام به فعالیتهایی نماید که معمولاً بانکها مجاز به انجام آنها هستند و یا به کارهای دیگری اشتغال یابد که در مجوز بانکی آنها مشخص شده است. در نتیجه این امکان وجود دارد که در صورت انطباق برخی از سرمایه‌گذارها یا خریدها با محدودیتهای ویژه‌ای که بوسیله ناظرین یا قوانین و مقررات بانکی وضع شده‌اند، انجام آنها بطور خودکار مجاز شمرده شوند.

ناظران، در برخی شرایط بانکها را ملزم می‌نمایند که قبل از انجام سرمایه‌گذارها یا خریدهای خاص، این موضوع را اطلاع داده یا موافقت ضمنی آنها را کسب نمایند. در چنین شرایطی ناظران می‌بایست این موضوع را مشخص نمایند که آیا واحد بانکی برای خرید مزبور، از منابع مالی و مدیریتی کافی برخوردار می‌باشد. همچنین ممکن است لازم باشد که بررسی نمایند آیا قوانین و مقررات بانکی موجود، اجازه سرمایه‌گذاری فوق را می‌دهد. لازم است بازرسان بطور واضح

تبیین نمایند که چه نوع یا مقادیری از سرمایه‌گذاریها، به کسب موافقت اولیه، نیاز داشته و برای چه مواردی، تنها صدور اطلاعیه کفایت می‌کند. در شرایطی که سرمایه‌گذاری مزبور، ارتباط زیادی با امور بانکی دارد و یا حجم آن نسبت به کل سرمایه بانک اندک می‌باشد مناسبترین شیوه، صدور اطلاعیه بعد از انجام کار است.

## بخش چهار: ترتیبات لازم برای نظارت بانکی مستمر

### الف- انواع ریسکهای بانکی

بانکداری - بنا به ماهیت خود - متضمن مواجهه با طیف وسیعی از مخاطرات است. ناظران بانکی می‌بایست از این ریسکها، شناخت داشته و اطمینان یابند که بانکها به میزان کافی آنها را ارزیابی و مدیریت می‌نمایند. ذیلاً در مورد ریسکهای مهمی که بانکها با آنها مواجه هستند، بحث می‌شود.

### ریسک اعتباری

اعطای وام، فعالیت اصلی اکثر بانکها را تشکیل می‌دهد. وامدهی مستلزم آن است که بانکها، راجع به توان بازپرداخت متقاضیان وام، اظهارنظر نمایند. این پیش‌بینی‌ها همیشه درست از آب در نمی‌آیند و یا گاهی ممکن است وضعیت اعتباری یک گیرنده وام به مرور زمان و در اثر عوامل مختلف، ضعیف شود. در نتیجه، یکی از ریسکهای عمده‌ای که بانکها با آن مواجهند ریسک اعتباری یا ناتوانی طرف مقابل برای اجرای مفاد قرارداد است. این ریسک نه تنها انواع وام را دربر می‌گیرد بلکه شامل سایر مقادیر در معرض ریسک - که در بالا و پائین خط ترازنامه قرار دارند از جمله ضمانت‌نامه‌ها، قبولی‌ها<sup>۱\*</sup> و سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار - نیز می‌شود. مشکلات جدی بانکها، ناشی از قصور آنها در شناخت دارائیهایی آسیب دیده است چه در غیراینصورت، برای تسویه این قبیل دارائیها، ذخائری در نظر گرفته می‌شود و به هنگام لزوم، شناخت درآمد بهره را به تعویق می‌اندازند.

---

قبولی‌ها، قبولی‌های بانکی، پذیرش‌ها = Acceptances - \*۱

تخصیص مقدار زیادی از منابع به یک وام‌گیرنده واحد و یا گروهی از وام‌گیرندگانی که به یکدیگر وابسته‌اند، دلیل رایج مشکلات بانکی است چراکه آنها بر تمرکز ریسک اعتباری دلالت دارند. همچنین بعضی اوقات ممکن است بر روی صنایع، بخشهای اقتصادی، یا مناطق جغرافیایی خاص، تمرکز زیادی بوجود آمده و یا این امر، محصول ارائه مجموعه وامهائی باشد که به دلیل برخورداری از شرایط دیگر، از آسیب‌پذیری بیشتری نسبت به سایر بخشهای اقتصادی مشابه برخوردارند (بعنوان مثال معاملاتی با درجهٔ اهرمی زیاد).

اگر ارائه وام به اشخاص مرتبط<sup>۱\*</sup>، به شیوه مناسبی کنترل نشود ممکن است به مشکلات چشمگیری بیانجامد زیرا در این شرایط، اخذ تصمیم راجع به توان بازپرداخت‌گیرنده وام، همیشه توأم با واقع‌بینی نیست. اشخاص مرتبط<sup>۲\*</sup> شامل سازمان مرکزی، سهامداران عمده، شرکتهای تابعه، اشخاص وابسته<sup>۳\*</sup>، مدیران و کارکنان اجرائی یک بانک می‌شوند. همچنین شرکتهائی که تحت کنترل همان خانواده یا گروه قرار دارند نیز جزء وابستگان به حساب می‌آیند. در این شرایط یا شرایط مشابه آن، این ارتباط می‌تواند منجر به یک رفتار ترجیحی در ارائه وام شده و بنابراین ریسک بیشتری را برای زیانهای ناشی از وامدهی، در پی داشته باشد.

---

۱\* - ارائه وام به اشخاص مرتبط (Connected Lending) به معنی اعطای اعتبار به افراد یا شرکتهائی است که یا از طریق مالکیت و یا بوسیلهٔ توان اعمال کنترل مستقیم یا غیرمستقیم، وابسته به بانک هستند.

۲\* - Connected parties

۳\* - Affiliated entities

## ریسک کشوری و ریسک انتقال وجوه

اعطای وامهای بین‌المللی علاوه بر اینکه شامل ریسک اعتباری می‌شود (ریسکی که در ذات عملیات وامدهی قرار دارد) ریسک کشوری را نیز در بر می‌گیرد یعنی آندسته از ریسکهائی که مربوط به محیط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور متبوع گیرنده وام می‌باشد. به هنگام اعطای وام به دولتهای خارجی یا موسسات آنها، امکان دارد که ریسک کشوری در آشکارترین وضع خود نمایان شود زیرا اعطای چنین وامهائی معمولاً بدون پشتوانه صورت می‌گیرد لیکن به هنگام اعطای وام یا سرمایه‌گذاری در خارج - خواه به بخش دولتی یا خصوصی - در نظر داشتن این موضوع اهمیت می‌یابد. یکی از اجزاء ریسک کشوری، ریسکی است که از آن تحت عنوان «ریسک انتقال وجوه» یاد می‌شود. این ریسک زمانی بوجود می‌آید که تعهد یک گیرنده وام، بر حسب پول محلی نباشد. صرف نظر از وضعیت مالی خاص یک گیرنده وام، ممکن است ارز تعهد شده در دسترس وی قرار نداشته باشد.

## ریسک بازار

ریسک دیگری که بانکها با آن مواجه هستند مربوط به زیانهائی است که در اقلام بالا و پائین خط ترازنامه بوجود آمده و ناشی از ایجاد نوسانات در قیمتهای بازار است. اصول موضوعه حسابداری موجب می‌شوند که در فعالیتهای تجاری یک بانک، ریسکهائی مزبور بیشتر از همه مشهود باشند خواه آنها شامل اقلام بدهی باشند یا دارائی و خواه مربوط به حسابهای ارزی باشند یا حسابهای



مربوط به کالا. بخش خاصی از ریسک بازار، ریسک نرخ ارز است. بانکها بوسیلهٔ ارائهٔ نرخ (اعلام مظنه) به مشتریان خود و یا از طریق افتتاح حسابهای ارزی، بعنوان «بازارسازان» ارزی عمل می‌نمایند. در خلال دوره‌هایی که نرخ ارز، از ثبات کافی برخوردار نمی‌باشد ریسکهائی که بخش تفکیک‌ناپذیر تجارت ارزی را تشکیل می‌دهند - بخصوص آنهائی که مربوط به باز نگه داشتن حسابهای ارزی هستند - افزایش می‌یابند.

### ریسک نرخ بهره

ریسک نرخ بهره، مربوط به آن دسته از منابع مالی یک بانک است که در جهت خلاف نرخهای بهره حرکت می‌کنند. این ریسک هم بر سود یک بانک و هم بر ارزش اقتصادی دارائی‌ها، بدهی‌ها و ارقام زیر خط ترازنامهٔ آن اثر می‌گذارد. اشکال اصلی ریسک نرخ بهره که معمولاً بانکها در معرض آنها قرار دارند، عبارتند از:

(۱) ریسک قیمت‌گذاری مجدد که ناشی از وجود اختلافات در تعیین زمان سررسید (برای نرخ ثابت) و قیمت‌گذاری مجدد (برای نرخ شناور) دارائیها، بدهی‌ها و حسابهای زیر خط ترازنامهٔ بانک است؛ (۲) ریسک منحنی بازده، که ناشی از تغییرات در شیب و شکل منحنی بازده می‌باشد؛ (۳) ریسک پایه، که ناشی از همبستگی ناقص در تنظیم نرخهای دریافتی و پرداختی ابزارهای مختلف با ویژگیهای قیمت‌گذاری مجدد دیگری است؛ و (۴) حالت اختیاری\*<sup>۱</sup>، که ناشی از

---

اختیارپذیر بودن، قابلیت اختیاری (انتخابی) =  $Optionality$  \* ۱

گزینه‌های صریح یا ضمنی موجود در بسیاری از دارائیه‌ها، بدهی‌ها و پرتفوهای ارقام زیر خط ترازنامه بانک می‌باشد.

هرچند چنین ریسکی، جزئی عادی از عملیات بانکداری به حساب می‌آید لیکن ازدیاد ریسک نرخ بهره ممکن است تهدید قابل ملاحظه‌ای را برای سود و سرمایه پایه یک بانک، در بر داشته باشد. مدیریت این ریسک ناشی از افزایش اهمیت بازارهای پیشرفته مالی است که در آن، مشتریان به اداره فعالانه آن مقدار از منابع خود که در معرض ریسک نرخ بهره قرار دارد، می‌پردازند. لازم است در کشورهایی که در آنها، نرخهای بهره آزاد اعلام شده‌اند، توجه خاصی به این ریسک نمود.

#### **ریسک نقدینگی**

ریسک نقدینگی از عدم توانایی یک بانک در کاهش بدهی‌ها یا تامین وجوه برای افزایش دارائیه‌ها ناشی می‌شود. در مواقعی که یک بانک، نقدینگی کافی ندارد قادر نیست که به سرعت و با هزینه‌ای معقول، به کسب وجوه مکفی از طریق افزایش بدهی‌ها یا تبدیل دارائیه‌ها پردازد و این امر بر سودآوری تاثیر خواهد گذاشت. در شرایط حاد، عدم نقدینگی کافی ممکن است به ورشکستگی یک بانک بیانجامد.

#### **ریسک عملیاتی**

مهمترین انواع ریسک عملیاتی مشتمل بر وجود نقص در کنترل‌های داخلی و حاکمیت سهامی است. اختلالاتی از این دست ممکن است از طریق خطا، تقلب

یا قصور در اجرای بموقع تعهدات به زیانهای مالی انجامیده یا موجب شود منافع بانک به هر نحو دیگری، آسیب ببیند بعنوان مثال بوسیله معامله‌گران بانک مزبور، کارکنان بخش اعتبارات یا سایر کارکنانی که فراتر از اختیارات خود عمل کرده یا به انجام معاملات غیراخلاقی یا خطرناک اقدام می‌کنند. حالات دیگر ریسک عملیاتی شامل وجود نواقص عمده در سیستمهای فناوری اطلاعات، وقایعی از قبیل آتش‌سوزی‌های وسیع یا بلایای دیگر است.

#### **ریسک حقوقی**

بانکها در معرض اشکال مختلف ریسک حقوقی قرار دارند. این امر شامل ریسکی است که در آن به دلیل مشاوره‌ها یا مستندسازی نامناسب یا غلط حقوقی، دارائیه‌ها با ارزشی کمتر و بدهی‌ها با ارزشی بیشتر از حد مورد انتظار ارزیابی می‌شوند. علاوه بر این، ممکن است قوانین موجود عاجز از حل موضوعات حقوقی‌ای باشند که یک بانک درگیر آن است. بعنوان مثال یک دعوی حقوقی که برای بانک خاصی بوجود می‌آید دارای استنتاجات وسیع‌تری برای حرفه بانکداری بوده و هزینه‌هایی را برای آن بانک و بسیاری از بانکهای دیگر (یا کلیه آنها) دربرمی‌گیرد. همچنین ممکن است قوانینی که بر بانکها یا سایر موسسات تجاری اثر می‌گذارند، تغییر یابند. در مواقعی که بانک‌ها اقدام به معاملات جدیدی می‌نمایند و یا زمانی که حق قانونی طرف مقابل برای ورود به یک معامله، تثبیت نشده است بانکها بطور خاصی نسبت به ریسکهای حقوقی حساسیت می‌یابند.

#### **ریسک شهرت**

ریسک شهرت ناشی از وجود ضعف‌های عملیاتی است، ضعف در انطباق

با قوانین، مقررات یا سایر منابع مربوط. ریسک شهرت بخصوص برای بانکها مضر است زیرا ماهیت حرفه آنها مستلزم حفظ اعتماد سپرده‌گذاران، بستانکاران و کل بازار است.

### **ب- تدوین و اجرای مقررات و الزامات احتیاطی**

لازم است نسبت به تشخیص، نظارت و کنترل ریسکهائی که در ذات عملیات بانکداری قرار دارند، اقدام نمود. در حصول اطمینان نسبت به این امر که مدیریت بانک چنین کاری را انجام می‌دهد، بازرسان نقشی اساسی ایفا می‌نمایند. برخورداری بازرسان از اختیار تدوین و استفاده از مقررات و الزامات احتیاطی جهت کنترل ریسک‌های مزبور، بخش مهمی از فرآیند نظارت را تشکیل می‌دهد. این امر قوانین مربوط به کفایت سرمایه، ذخائر مطالبات سوخت شده، تمرکز دارائیه‌ها، نقدینگی، مدیریت ریسک و کنترل‌های داخلی را دربرمی‌گیرد. ممکن است این موارد شامل الزامات کیفی و یا کمی باشند. هدف از تدوین و اجرای این مقررات، تحدید ریسک‌پذیری غیراحتیاطی متخذه از سوی بانکها است. این الزامات نباید جایگزین تصمیمات مدیریت شوند بلکه باید حداقلی از استانداردهای احتیاطی را اعمال نمایند تا بدین وسیله اطمینان حاصل شود که بانکها، فعالیتهای خود را به شیوه مناسبی انجام می‌دهند. ماهیت پویای بانکداری مستلزم آن است که بازرسان بطور ادواری، به ارزیابی مقررات احتیاطی خود پرداخته و تداوم مناسبیت مقررات موجود و نیز نیاز برای مقررات جدید را مورد بررسی قرار دهند.

## ۱- کفایت سرمایه

### اصل ۶:

بازرسان بانکی می‌بایست نسبت به تعیین الزامات احتیاطی و حداقل مناسبی از کفایت سرمایه برای کلیه بانکها اقدام نمایند. این الزامات باید به انعکاس ریسکهائی بپردازند که بانکها متقبل آنها شده و اجزاء سرمایه را با توجه به قابلیت آنها در جذب زیانها، تعریف نماید. حداقل برای بانکهای که در عرصه بین‌المللی فعال هستند، این الزامات نباید از آنچه که در توافقنامه سرمایه‌بال<sup>۱\*</sup> و اصلاحیه‌های آن معین شده است، کمتر باشد.

سرمایه سهامداران (ارزش ویژه) چندین هدف را دنبال می‌نماید: برای سهامداران، یک منبع درآمد دائمی و برای بانک، یک منبع تامین مالی فراهم می‌آورد؛ برای تحمل ریسک و جذب زیانها قابل استفاده است؛ زمینه رشد بیشتر را فراهم می‌آورد؛ و ملاکی را در اختیار سهامداران می‌گذارد که براساس آن مطمئن شوند بانک مزبور، به شیوه‌ای صحیح و مطمئن مدیریت می‌شود. بمنظور کاهش ریسک زیان وارده به سپرده‌گذاران، بستانکاران و سایر سهامداران بانک و جهت کمک به بازرسان برای حفظ ثبات کلی صنعت بانکداری، رعایت حداقل نسبتهای کفایت سرمایه، امری ضروری است. بازرسان باید نسبت به تعیین الزامات احتیاطی و حداقل مناسبی از کفایت سرمایه اقدام نموده و بانکها را ترغیب نمایند تا با سرمایه‌ای بیش از حداقل مذکور فعالیت نمایند. در صورت مناسبت و با توجه به وضعیت ریسک یک بانک یا در صورت وجود دغدغه‌هائی در مورد کیفیت دارائی‌ها، نقاط تمرکز ریسک،

---

۱\* - Basle Capital Accord

یا سایر ویژگیهای نامطلوبی که ممکن است وضعیت مالی یک بانک دچار آن باشد، بازرسان می‌بایست الزاماتی بیش از حداقل نسبتهای سرمایه را در نظر بگیرند. چنانچه نسبتهای مربوط به یک بانک، به میزانی کمتر از حداقل تعیین شده کاهش یابد، ناظران بانکی باید مطمئن شوند که آن بانک، دارای برنامه‌های واقع‌بینانه‌ای است که به کمک آنها می‌تواند طی یک افق زمانی مشخص، مجدداً به حداقل مزبور دست یابد. همچنین لازم است که بازرسان، راجع به این موضوع تصمیم بگیرند که آیا در چنین مواردی به وضع محدودیتهای بیشتر نیاز هست یا خیر.

در سال ۱۹۸۸ میلادی، کشورهای عضو کمیته نظارت بانکی بال<sup>۱\*</sup> درخصوص روشی برای حصول اطمینان از کفایت سرمایه یک بانک به توافق رسیدند.<sup>۱۲</sup> بسیاری از کشورهای دیگر یا این توافقنامه سرمایه<sup>۲\*</sup> یا چیزی شبیه به آنرا پذیرفته‌اند. این توافقنامه به ۲ عامل مهم در فعالیتهای یک بانک می‌پردازد:

(۱) سطوح مختلفی از ریسک اعتباری که در ترازنامه یک بانک نهفته است و

(۲) فعالیتهای مربوط به اقلام زیر خط ترازنامه که می‌تواند نمایانگر مقدار منابعی باشد که در معرض ریسک مهمی قرار دارند.

این توافقنامه تعیین می‌نماید که برای مقاصد نظارتی، چه انواعی از سرمایه قابل قبول است و نیز نیاز به سطوح مکفی از «سرمایه پایه»<sup>۳\*</sup> را مورد تاکید قرار می‌دهد (در توافقنامه مزبور، از این سرمایه تحت عنوان سرمایه درجه یک<sup>۴\*</sup>

---

۱\* – The Basel Committee on Banking Supervision

۱۲- «توافقنامه بین‌المللی درخصوص ارزیابی سرمایه و استانداردهای آن» از جلد ۱ مجموعه رهنمودها را ملاحظه نمایید.

۲\* – The Capital Accord

۳\* – Core capital

۴\* – Tier one capital

یاد می‌شود). سرمایه‌ای که متشکل از آورده خالص سهامداران و ذخائر افشاء شده‌ای است که از طریق تخصیص سودهای تقسیم نشده یا سایر منابع مازاد ایجاد یا حفظ می‌گردد (بعنوان مثال جوایز سهام، سود تقسیم نشده، ذخائر عمومی و قانونی). همچنین ذخائر افشاء شده، مشتمل بر آندسته از وجوه عمومی‌ای است که در چارچوب معیارهای ذیل عمل کنند: (۱) تخصیص این وجوه باید یا از محل سود تقسیم نشده پس از مالیات باشد یا از محل سود پیش از مالیاتی که در آن، تمامی بدهی‌های بالقوه مالیاتی لحاظ شده است؛ (۲) در حسابهای منتشره از سوی بانک، این وجوه و تغییرات آنها باید بطور جداگانه افشاء شود؛ (۳) این ذخائر باید در دسترس بانک قرار گیرد تا زیانهای حاصله را جبران کند؛ و (۴) نمی‌توان زیانها را مستقیماً به حساب این ذخائر برد بلکه باید آنها را به حساب سود و زیان منتقل نمود. همچنین توافقنامه مزبور بر این امر صحنه می‌گذارد که یک سیستم ارزیابی سرمایه باید سایر اشکال سرمایه تکمیلی<sup>۱\*</sup> (که به آن سرمایه درجه دو<sup>۲\*</sup> اطلاق می‌شود) از قبیل انواع دیگر ذخائر و ابزارهای سرمایه پیوندی<sup>۳\*</sup> را دربرگیرد.

این توافقنامه - براساس طبقات وسیعتر ریسک‌پذیری نسبی - وزنهایی از ریسک را به منابع در معرض خطری که در بالا و زیر خط ترازنامه قرار دارند، تخصیص می‌دهد. با استفاده از فقط پنج وزن: ۰، ۱۰، ۲۰، ۵۰ و ۱۰۰٪، چارچوب وزن‌ها تا حد امکان، ساده در نظر گرفته شده است. توافقنامه مذکور براساس

---

۱\* - Supplementary capital = سرمایه تکمیلی، سرمایه اضافی

۲\* - Tier two capital

۳\* - Hybrid capital instruments = سرمایه چند منظوره

ارزش دارائیهها برحسب ریسک، الزامات حداقل نسبت سرمایه را برای سرمایه درجه یک، ۴٪ و برای کل سرمایه (درجه یک بعلاوه درجه دو)، ۸٪ تعیین و به بانکهای فعال بین‌المللی اعلام نموده است.<sup>۱۳</sup> این الزامات برای بانکها بصورتی یکپارچه بکار گرفته می‌شود.<sup>۱۴</sup> باید بر این موضوع تاکید نمود که این نسبت‌ها بعنوان یک معیار حداقل در نظر گرفته شده‌اند و بسیاری از بازرسان می‌بایست نسبت به آنچه در این توافقنامه آمده است، نسبت‌های بالاتر، استفاده از تعاریف دقیق‌تر سرمایه یا اوزان بالاتری از ریسک را مد نظر قرار دهند.

## ۲- مدیریت ریسک اعتباری

### ۲-۱- معیارهای اعطای اعتبار و فرآیند نظارت اعتباری

#### اصل ۷:

یک بخش مهم از هر سیستم نظارتی، ارزیابی سیاستها، رویه‌ها و روشهای یک بانک در اعطای وام، انجام سرمایه‌گذاریها، مدیریت مستمر وامها و پرتفوی سرمایه‌گذاریها است.

بازرسان می‌بایست مطمئن شوند که فعالیتهای اعتباری و سرمایه‌گذاری در کلیه بانکها واقعی بوده و مبتنی بر اصول صحیحی است. رعایت خط‌مشی‌های احتیاطی مکتوب درخصوص اعطای وام، موافقت با آن و رویه‌های اداری ذیربط و

---

۱۳- گرچه از این توافقنامه برای بانکهای استفاده می‌شود که در سطح بین‌المللی فعالند، لیکن بسیاری از کشورها، برای بانکهای داخلی خود نیز از آن استفاده می‌کنند.

۱۴- البته لازم است که بازرسان، کفایت سرمایه بانکها را بصورت انفرادی نیز تحت نظارت داشته باشند.



نیز مستندسازی مناسبی از عملیات وامدهی، برای مدیریت حوزه اعتباری یک بانک عواملی ضروری به حساب می‌آیند. فعالیتهای وامدهی و سرمایه‌گذاری می‌بایست مبتنی بر استانداردهای احتیاطی تضمین شده‌ای باشند که به تصویب هیات مدیره بانک رسیده و بطور واضح به کلیه کارکنان و متصدیان بخش اعتبارات بانک ابلاغ شده است. برای بازرسان تعیین این موضوع نیز ضروری است که تصمیمات اعتباری موسسه مزبور تا چه حد به دور از تضاد منافع و فشار ناخواسته اشخاص خارج از سازمان، اتخاذ می‌شود. همچنین جهت نظارت مستمر بر روابط اعتباری از جمله وضعیت مالی متقاضیان وام، لازم است که بانکها از فرآیند پیشرفته‌ای برخوردار باشند. باید پایگاه داده‌ها، بخش مهمی از هر سیستم اطلاعات مدیریت را تشکیل دهد. پایگاهی که راجع به وضعیت پرتفوی وام از جمله طبقه‌بندی و رتبه‌بندی‌های داخلی وام، جزئیات مهمی را فراهم می‌آورد.

## ۲-۲- ارزیابی کیفیت دارائی‌ها و کفایت ذخائر و اندوخته‌های مطالبات سوخت شده

### اصل ۸:

ناظران بانکی می‌بایست قانع شوند که بانکها برای ارزیابی کیفیت دارائیه‌ها و کفایت ذخائر و اندوخته‌های مطالبات سوخت شده؛ سیاستها، رویه‌ها و روشهای مناسبی را ایجاد نموده و به آنها پایبند هستند.

بازرسان باید به ارزیابی سیاستهای یک بانک درخصوص بررسی ادواری تک تک اعتبارات، طبقه بندی دارائیه‌ها و ایجاد ذخائر بپردازند. آنها باید قانع شوند که سیاستهای مذکور بطور منظم مورد بازنگری قرار گرفته و همواره اجرا می‌شوند.

نیز بازرسان باید اطمینان یابند که بانکها جهت نظارت بر اعتبارات مسئله‌دار و جمع‌آوری اطلاعات مربوط به وام‌های پرداختی در گذشته، دارای فرآیند مناسبی هستند. زمانی که سطح اعتبارات مسئله‌دار در یک بانک در حدی است که مورد توجه بازرسان قرار می‌گیرد، آنها باید بانک را ملزم نمایند که معیارها و رویه‌های اعطای وام و نیز کل توان مالی خود را تقویت نماید.

بانک باید دارای مکانیزم مناسبی باشد تا بتواند پس از تهیه وثائق و ضمانت‌نامه‌های لازم از سوی متقاضیان وام، توان و ارزش آنها را بطور مستمر مورد ارزیابی قرار دهد. همچنین لازم است بازرسان مطمئن شوند که بانکها جهت مقابله با ریسک‌های مربوط به آندسته از اقلام زیر خط ترازنامه که در معرض ریسک قرار دارند، سرمایه کافی را ثبت و نگهداری می‌نمایند.

**۳-۲- تمرکز ریسک و مقدار منابع عمده‌ای که در معرض ریسک قرار دارند.**

**اصل ۹:**

ناظران بانکی می‌بایست مطمئن شوند که بانکها دارای سیستمهای اطلاعات مدیریتی هستند که مدیریت را قادر به شناسایی نقاط تمرکز پررقی می‌نماید. بازرسان باید با ایجاد محدودیتهای احتیاطی، از تمرکز مقدار منابع در معرض ریسک بانک بر روی یک متقاضی وام یا گروههایی از وام‌گیرندگان مرتبط، جلوگیری نمایند.

بازرسان بانکی می‌بایست با ایجاد محدودیتهای احتیاطی، از تمرکز مقدار منابع در معرض ریسک بانک بر روی یک متقاضی وام، گروههایی از

وام‌گیرندگان مرتبط و سایر تمرکزهای خطرناک قابل توجه جلوگیری نمایند.<sup>۱۰</sup> معمولاً این حدود برحسب درصدی از سرمایه بانک بیان می‌شود و اگرچه این درصدها متغیرند لیکن عموماً ۲۵٪ از سرمایه، مهمترین بخشی است که یک بانک یا گروه بانکی ممکن است به یک متقاضی غیربانکی از بخش خصوصی یا گروهی از متقاضیان وام که ارتباط نزدیکی با یکدیگر دارند - بدون نیاز به اخذ موافقت از یک مرجع نظارتی خاص - اعطا نماید.

اذعان می‌شود که ممکن است بانکهای تازه تاسیس یا خیلی کوچک به دلیل ضعف در توانائی ایجاد تنوع - که بالتبع به سرمایه بیشتری برای پوشش ریسکهای مربوطه نیاز دارد - با محدودیتهای عملی در این زمینه مواجه شوند. بازرسان باید بر نحوه مدیریت بانک بر نقاط تمرکز ریسک، نظارت نموده و بانکها را ملزم نمایند که هر اکسپوژری<sup>۱\*</sup> را که از حد خاصی (بعنوان مثال ۱۰٪ سرمایه) فراتر رفته یا آندسته از اکسپوژرهائی که به متقاضیان عمده<sup>۲\*</sup> وام

---

۱۵- کمیته بال با پذیرش مقاله بهترین رویه‌ها، که به مقدار منابع اعتباری عمده‌ای می‌پردازد که در معرض ریسک قرار دارند از آن بعنوان رهنمودی جهت اعمال کنترل‌های مناسب درخصوص نقاط تمرکز ریسک استفاده می‌نماید. این نوشتار که در سال ۱۹۹۱ به رشته تحریر درآمده است به ارائه تعاریفی از مقدار منابع اعتباری در معرض ریسک، وام‌گیرندگان واحد، و اشخاص ثالث مرتبط پرداخته و نیز به بحث پیرامون سطوح مناسبی از محدودیتهای مقدار منابع عمده‌ای که در معرض ریسک هستند و ریسکهای ناشی از اشکال مختلف تمرکز دارائیهی می‌پردازد. مقاله «سنجش و کنترل مقدار منابع اعتباری عمده‌ای که در معرض ریسک هستند» از جلد ۱ مجموعه رهنمودها را ملاحظه نمایند.

۱\* - Exposure

۲\* - Large borrowers

تخصیص یافته است، آنگونه که بازرسان تعیین نموده‌اند، به آنها گزارش نمایند. در برخی کشورها، برای کل اکسپوژرهای این چنین وسیع نیز محدودیتهائی وضع می‌شود.

#### ۴-۲- ارائه وام به اشخاص مرتبط

##### اصل ۱۰:

به منظور پیشگیری از سوء استفاده‌های ناشی از ارائه وام به وابستگان، بازرسان بانکها باید الزامات مناسبی را برای بانکها تعیین نمایند. الزاماتی مبنی بر اینکه ارائه وام از سوی بانکها به افراد و شرکتهای وابسته، مبتنی بر روابط غیرشخصی<sup>۱\*</sup> و تحت نظارت موثر بوده و اینکه جهت کنترل یا کاهش ریسکهای مزبور، تمهیدات مناسب دیگر نیز اندیشیده شده است.

ناظران بانکی باید قادر به جلوگیری از سوء استفاده‌های ناشی از ارائه وام به وابستگان و اشخاص مرتبط باشند. این امر مستلزم آن است که اطمینان حاصل شود ارائه چنین وامهایی فقط بر مبنای روابط غیرشخصی بوده و مقدار اعتبار اعطائی تحت نظارت است. این کنترلها زمانی به آسانترین شکل خود اجرا می‌شوند که بانکها ملزم شوند شرایط و الزامات اعطای چنین اعتباراتی را برای وابستگان خود، مطلوبتر از افراد غیر وابسته‌ای که از شرایط مساوی برخوردارند، ننموده و نیز هنگامی که محدودیتهای سخت‌تری بر روی این قبیل اعتبارات اعمال نمایند. در شرایط خاص، بازرسان باید از این اختیار برخوردار باشند که از این نیز فراتر رفته

---

۱\* – On an arm's-length basis

و بر روی طبقاتی از این قبیل وامها، محدودیتهای کاملی وضع نمایند و یا اینکه به هنگام ارزیابی کفایت سرمایه، به اندازه مجموع آنها از سرمایه کسر نموده و یا بانکها را ملزم به اخذ وثیقه در قبال اعطای چنین وامهایی بنمایند. معامله با اشخاص وابسته‌ای که برای بانکها، ریسکهای خاصی بوجود می‌آورد می‌بایست به تصویب هیات مدیره بانک رسیده و به بازرسان گزارش شود و یا اینکه انجام آنها بطور کل ممنوع اعلام شود. در برخی شرایط، واحدهای نظارت بانکی می‌توانند مشکلات ناشی از ارائه وام به وابستگان را بصورت یکپارچه شناسائی و کاهش دهند.

بازرسان باید از این اختیار نیز برخوردار باشند که راجع به وجود ارتباط بین بانک و سایر اشخاص، مستقلاً قضاوت نمایند. این امر بخصوص در مواقعی ضرورت می‌یابد که بانک مزبور و اشخاص وابسته به آن، اقدام به کتمان این ارتباطات می‌نمایند.

## ۵-۲- ریسک کشوری و ریسک انتقال وجوه

### اصل ۱۱:

بازرسان بانکها می‌بایست مطمئن شوند که بانکها جهت شناسائی، نظارت و کنترل ریسک کشوری و ریسک انتقال وجوه در اعطای وامهای بین‌المللی و فعالیتهای سرمایه‌گذاری خود، و نیز بمنظور حفظ ذخائر مکفی جهت پوشش این قبیل ریسکها، دارای سیاستها و رویه‌های مناسبی می‌باشند.<sup>۱۶</sup>

---

۱۶- این مباحث در یکی از مقالات کمیته بال تحت عنوان «مدیریت وامدهی بین‌المللی بانکها» که در سال ۱۹۸۲ میلادی انتشار یافته است (جلد ۱ از مجموعه رهنمودها)، مورد بحث قرار گرفته‌اند.

### ۳- مدیریت ریسک بازار

#### اصل ۱۲:

بازرسان بانکها می‌بایست از این موضوع اطمینان حاصل نمایند که بانکها دارای سیستم‌هایی هستند که بطور دقیق ریسکهای بازار را مورد سنجش و نظارت قرار داده و آنها را بطور مناسبی کنترل می‌نمایند. در صورت لزوم، بازرسان باید از اختیارات لازم جهت وضع محدودیتهای خاص و یا تعیین سرمایه ویژه بیشتری - جهت پوشش مقدار منابعی که در معرض ریسک بازار قرار دارند\*<sup>۱</sup> - برخوردار باشند.

بازرسان باید بانکها را وادار کنند تا ریسکهای بازار را بطور دقیق اندازه‌گیری و به شکل مناسبی کنترل نمایند. در صورت لزوم، بهتر است برای بانکهایی که در معرض ریسک قرار دارند - بخصوص ریسک ناشی از فعالیتهای تجاری - سرمایه کمی دقیقی در نظر گرفت تا بدینوسیله ریسک قیمت‌ها را پوشش داد. برخورداری از نظم حاصل از مقررات سرمایه را می‌توان گام مهم دیگری در تقویت ثبات و سلامت بازارهای مالی دانست. همچنین می‌بایست برای فرآیند مدیریت ریسکهای مربوط به بازار، معیارهای کمی و کیفی سازمان یافته‌ای،

---

۱\* - A specific capital charge on market risk exposures

وجود داشته باشد.<sup>۱۷</sup> نیز بازرسان بانکی می‌بایست مطمئن شوند که مدیریت بانک، محدودیتهای مناسبی را برای فعالیتهای ارزی خود وضع نموده، و کنترل‌های داخلی مناسبی را به مورد اجرا گذاشته است.<sup>۱۸</sup>

#### ۴- مدیریت ریسکهای دیگر

##### اصل ۱۳:

بازرسان بانکی می‌بایست مطمئن شوند که بانکها جهت شناسائی، اندازه‌گیری، نظارت و کنترل تمامی ریسکهای مهم دیگر، دارای فرآیند جامعی از مدیریت ریسک (شامل نظارت مناسب هیات مدیره و مدیریت ارشد) بوده و در مواقع لزوم، به تخصیص سرمایه جهت مقابله با این قبیل ریسکها، اقدام می‌کنند.

---

۱۷- در ژانویه سال ۱۹۹۶، کمیته بال بیانیه‌ای را منتشر نمود که توافقنامه سرمایه را اصلاح نموده و برای پوشش ریسک بازار، سرمایه اضافی جدیدی را تجویز می‌نمود. در نظر گرفتن این سرمایه مازاد تا پایان سال ۱۹۹۷ میلادی مرسوم بود. در محاسبه این سرمایه مازاد (The Capital Charge)، بانکها می‌توانند از روشی استاندارد و یا از مدل‌های داخلی خود استفاده نمایند. مراجع نظارتی گروه ۱۰ قصد دارند تا بعنوان مبنائی برای تخصیص مقدار سرمایه مورد نیاز برای پوشش ریسکهای مختلف، از «پس آزمونها» یا «آزمونهای پس از وقوع» (Backtesting) - بعنوان مثال انجام مقایسات بعدی (Ex-post comparisons) بین نتایج مدل و عملکرد واقعی - در رابطه با نظامهای داخلی اندازه‌گیری ریسک بانکها، استفاده نمایند. به «بررسی اصلاحیه توافقنامه سرمایه به منظور پوشش ریسکهای بازار»، «اصلاحیه توافقنامه سرمایه جهت پوشش ریسکهای بازار» و «چارچوب نظارتی برای استفاده از «پس آزمون» در رابطه با روش مدل‌های داخلی برای الزامات سرمایه مربوط به ریسک بازار» از جلد ۲ مجموعه رهنمودها، مراجعه نمایید.

۱۸- مقاله «نظارت بر وضعیت حسابهای ارزی بانکها» از جلد ۱ مجموعه رهنمودها را ملاحظه نمایید.

معیارهای مدیریت ریسک<sup>۱۹</sup>، بخش مهمی از نظارت بانکی را تشکیل داده و بعنوان ابزارهای مالی، اهمیت فزاینده‌ای یافته‌اند. همزمان، فنون اندازه‌گیری ریسک نیز پیچیده‌تر شده‌اند. بعلاوه، تاثیر فناوریهای نوین بر روی بازارهای مالی، بسیاری از بانکها را ملزم و مجاز می‌نماید که بطور روزانه بر پرتفوی خود نظارت نموده و در پاسخ به نیازهای بازار و مشتریان، مقدار منابع در معرض ریسک خود را به سرعت تعدیل نمایند. در چنین محیطی راجع به مقدار منابعی از بانک که در معرض ریسک قرار دارد مدیریت، سرمایه‌گذاران و بازرسان نیازمند اطلاعاتی هستند که درست، سودمند و بموقع باشند. بازرسان می‌توانند با ارتقاء و اعمال سیاستهای موثر در بانکها و الزام آنها به رعایت رویه‌هایی که اطمینان‌بخش دسترسی به اطلاعات ضروری است، به این فرآیند یاری رسانند.

#### ۱-۴- ریسک نرخ بهره

لازم است بازرسان به نظارت بر شیوه‌ای پردازند که بوسیله آن، بانکها ریسک نرخ بهره را کنترل می‌نمایند. این امر شامل نظارت کارآمد هیات مدیره و مدیریت ارشد، سیاستها و رویه‌های مناسب مدیریت ریسک، سیستمهای اندازه‌گیری و نظارت بر ریسک، و کنترلهای جامع می‌شود.<sup>۲۰</sup> علاوه بر این، به

---

۱۹- به تازگی کمیته بال، گروهی فرعی را ایجاد نموده است تا به مطالعه مباحث مربوط به مدیریت ریسک و کنترلهای داخلی پرداخته و دستورالعملی را برای صنعت بانکداری فراهم آورند.

۲۰- اخیراً کمیته بال با انتشار مقاله‌ای در مورد مدیریت ریسک نرخ بهره، به طرح اجمالی اصولی پرداخته است که به هنگام بررسی مدیریت ریسک بهره تک تک بانکها، می‌تواند مورد استفاده مراجع نظارتی قرار گیرد. به مقاله «اصولی برای مدیریت ریسک نرخ بهره» از جلد ۱ مجموعه رهنمودها رجوع شود.



منظور ارزیابی میزان ریسک نرخ بهره، بازرسان می‌بایست اطلاعات کافی و بموقعی را از بانکها دریافت نمایند. این اطلاعات باید به شیوه مناسبی، محدوده سررسیدها و اسعار موجود در پرتفوی هر بانک و نیز سایر عوامل ذیربط از قبیل تمایز بین فعالیتهای تجاری و غیرتجاری را دربرگیرد.

## ۲-۴- مدیریت نقدینگی

منظور از مدیریت نقدینگی، حصول اطمینان از این موضوع است که بانک قادر به انجام کامل تعهدات قراردادی خود می‌باشد. عناصر حیاتی مدیریت نقدینگی قوی مشتمل بر سیستمهای مناسب اطلاعات مدیریت، کنترل متمرکز نقدینگی<sup>۱\*</sup>، تجزیه و تحلیل مقدار وجوه خالص مورد نیاز برای سناریوهای مختلف، تنوع منابع تامین مالی و برنامه‌ریزی اقتضائی است.<sup>۲۱</sup> بازرسان باید از بانکها انتظار داشته باشند که به منظور حفظ نقدینگی کافی، به اداره دارائیهها، بدهی‌ها و قراردادهای مربوط به اقلام زیر خط ترازنامه خود پردازند. مبانی تامین مالی بانکها - چه از نظر منابع تامین وجوه و چه از نظر تاریخ سررسید بدهی‌ها - می‌بایست متنوع باشد. همچنین آنها باید سطح مناسبی از دارائیههای نقد را حفظ نمایند.

---

### ۱\* - Central liquidity control

۲۱- کمیته بال مقاله‌ای را منتشر نموده است که به تشریح عوامل اصلی چارچوب یک مدل تحلیلی برای اندازه‌گیری و مدیریت نقدینگی می‌پردازد. گرچه این مقاله بر استفاده از این چارچوب برای بانکهای بزرگ و فعال در عرصه بین‌المللی تمرکز دارد، لیکن رهنمودی را فراهم می‌آورد که ثابت شده است برای کلیه بانکها سودمند می‌باشد. مقاله «چارچوبی برای اندازه‌گیری و مدیریت نقدینگی» - از جلد ۱ مجموعه رهنمودها را ملاحظه فرمائید.

### ۳-۴- ریسک عملیاتی

ناظران بانکی می‌بایست اطمینان یابند که مدیریت عالی، رویه‌های حسابرسی و کنترل داخلی اثربخشی را بکار گرفته، برای مدیریت و کاهش ریسک عملیاتی نیز از سیاستهای لازم برخوردار می‌باشند (بعنوان مثال بوسیله بیمه یا برنامه‌ریزی اقتضائی). بازرسان باید مطمئن شوند که بانکها جهت راه‌اندازی مجدد تمامی سیستمهای اصلی خود، دارای برنامه‌های مناسب و مطمئنی هستند که از راه دور قابل کنترل بوده و جهت مقابله با چنین حوادثی تهیه شده‌اند.

### ۵- کنترل‌های داخلی

اصل ۱۴:

ناظران بانکی باید مطمئن شوند که بانکها دارای کنترل‌های داخلی مناسبی هستند که متناسب با ماهیت و مقیاس فعالیت آنها می‌باشد. این کنترلها می‌بایست موارد ذیل را دربرگیرد:

- ترتیبات مشخصی برای تفویض اختیار و مسئولیت
- تفکیک وظائف تعهدآور بانک، پرداخت وجوه، و حسابداری دارائیهها و بدهی‌ها از یکدیگر
- رفع مغایرت از این فرآیندها
- محافظت از اموال بانک
- و حسابرسی مناسب و مستقل داخلی و خارجی و وظایف تطبیقی جهت آزمون میزان پایبندی به این کنترلها و نیز به قوانین و مقررات ذیربط.

## اصل ۱۵:

بازرسان باید مطمئن شوند که بانکها دارای سیاستها، رویه‌ها و روشهای مکفی و مناسبی – از جمله مقررات صریح مربوط به «شناخت مشتری»<sup>۱\*</sup> – هستند که معیارهای عالی اخلاقی و حرفه‌ای را در بخش مالی ارتقاء بخشیده و مانع از سوءاستفاده عمدی یا سهوی عوامل جنایتکار از بانک می‌شوند.

منظور از کنترلهای داخلی، حصول اطمینان از موارد ذیل است:

- فعالیت یک بانک به روشی محتاطانه و در انطباق با خط مشی‌ها و استراتژیهای تدوین شده از سوی هیات مدیره بانک انجام می‌شود.
- معاملات فقط با اختیارات لازم به جریان می‌افتند.
- از دارائیه‌ها محافظت شده و بدهی‌ها تحت کنترل قرار می‌گیرند.
- گزارشهای حسابداری و غیره؛ اطلاعاتی کامل، دقیق و بموقع را فراهم می‌آورد.
- مدیریت قادر به شناسائی، ارزیابی، اداره و کنترل ریسکهای این حرفه می‌باشد.

چهار حوزه اولیه کنترلهای داخلی عبارتند از:

- ساختارهای سازمانی (تعریف وظایف و مسئولیتها، محدودیتهای تعیین شده برای تصویب وام، و رویه‌های تصمیم‌گیری)

---

مشتری خود را بشناس = Know-your-customer – ۱\*

- رویه‌های حسابداری (رفع مغایرت از حسابها، فهرستهای کنترلی، ترازهای آزمایشی ادواری و غیره)
- اصل «نظارت دقیق»<sup>۱\*</sup> (تفکیک وظائف گوناگون، بازبینی مجدد، کنترل مجدد دارائیهها، درج امضاهای ۲ نفره، و غیره)
- کنترل فیزیکی اموال و سرمایه‌گذاریها

باید بوسیله حوزه حسابرسی کارآمدی که کفایت، کارائی و اثربخشی عملیاتی نظامهای کنترلی در درون یک سازمان را مستقلاً مورد ارزیابی قرار می‌دهد، این کنترلها را تکمیل نمود. در نتیجه، حسابرس داخلی باید از موقعیت مناسبی در بانک برخوردار بوده و جهت حفاظت از استقلال وی، خطوط گزارشدهی مناسبی را طراحی نمود.<sup>۲۲</sup> حسابرسی خارجی می‌تواند اثربخشی این فرآیند را مجدداً مورد بررسی قرار دهد. بازرسان باید قانع شوند که بانکها، از سیاستها و روشهای موثری پیروی کرده و مدیریت آنها در واکنش به نقاط ضعف کنترل داخلی - که توسط حسابرسان داخلی و خارجی شناسائی شده‌اند - اقدامات اصلاحی مناسبی را بعمل می‌آورد.

بانکها مشمول طیف وسیعی از قوانین و مقررات بانکی و غیربانکی بوده و لازم است جهت حصول اطمینان از انطباق عملکرد خود با آنها، از سیاستها و رویه‌های کافی و مناسبی برخوردار باشند. در غیراینصورت، تخلف از الزامات

---

#### ۱\* - The "four eyes" principle

۲۲- در برخی کشورها، بازرسان توصیه می‌کنند که بانکها نسبت به ایجاد یک «کمیته حسابرسی» در درون هیات مدیره خود اقدام نمایند. هدف این کمیته، تسهیل نظارت موثر هیات مدیره است.

مصوب می‌تواند به شهرت بانک لطمه زده و آنرا در معرض جریمه‌های مختلفی قرار دهد. در شرایط حاد، این لطمه می‌تواند توانائی پرداخت بانک مذکور را، مورد تهدید قرار دهد. همچنین عدم موفقیت بانکها در انطباق خود با این الزامات، بیانگر این موضوع است که بانک مذکور - با تعهد و تخصصی که از یک واحد بانکی انتظار می‌رود - مدیریت نمی‌شود. لازم است بانکهای بزرگتر جهت انطباق خود با قوانین، از واحدهای مستقلی برخوردار بوده و بازرسان نیز می‌بایست مطمئن شوند که چنین وظایفی به شکلی اثربخش به اجرا در می‌آیند.

همکاری با قاچاقچیان مواد مخدر و دیگر عوامل جنایتکار - حتی اگر بصورت غیر عمدی هم باشد - می‌تواند موجب کاهش اعتماد عمومی به بانکها شده و به شهرت آنها لطمه زند. از اینرو اگرچه بطور معمول مسئولیت پیگرد جرائم مربوط به پولشویی و یا انجام تالشهای مستمر بر ضد آن - در کشورهای متبوع بازرسان - بر عهده آنها نیست لیکن در حصول اطمینان نسبت به این موضوع که بانکها دارای رویه‌های مناسبی در این زمینه هستند، ناظران از نقشی حیاتی برخوردارند. این رویه‌ها که شامل خط مشی‌های صریح «شناخت مشتری» می‌شود برای اجتناب از همکاری یا مشارکت با قاچاقچیان مواد مخدر یا سایر جنایتکاران و نیز ارتقاء کلی معیارهای عالی اخلاقی و حرفه‌ای در بخش مالی طراحی شده‌اند.<sup>۲۳</sup> بخصوص، بازرسان باید بانکها را تشویق نمایند که آندسته از پیشنهادات «گروه ویژه اقدام مالی در زمینه پولشویی»<sup>۱\*</sup> را که در مورد موسسات مالی کاربرد دارند،

۲۳- به مقاله «پیشگیری از سوء استفاده عوامل جنایتکار از نظام بانکی جهت پولشویی» از

جلد ۱ مجموعه رهنمودها رجوع شود.

۱\* - Financial Action Task Force on Money Laundering = FATF

بپذیرند. این پیشنهادات در مورد شناخت مشتری و حفظ سوابق، افزایش تلاش موسسات مالی در کشف و گزارش معاملات مشکوک، و اقدامات موثر برای مراوده با کشورهایی است که در خصوص مبارزه با پولشویی، اقدامات قاطعی را انجام نداده و یا عملکرد ضعیفی داشته‌اند.

### **وقوع تخلفات مالی در بانکها یا مشارکت آنها در این امر، به ۳ دلیل مورد**

**توجه ناظران بانکی است.** از دیدگاه کلان، این امر ممکن است توان پرداخت مالی بانکها و نیز سلامت سیستم مالی و قابلیت اعتماد به آنرا تهدید نماید. دوم اینکه امکان دارد این موضوع، حاکی از ضعف کنترل‌های داخلی باشد که خود مستلزم دقت نظر مراجع نظارتی است. و سوم آنکه ممکن است تبعات بالقوهٔ مربوط به شهرت و اعتماد، از یک موسسه خاص به تمام سیستم مالی گسترش یابد. به این دلایل، لازم است که بانکها برای انعکاس مسائل و مشکلات خود، دارای خطوطی ارتباطی باشند که هم در طول سلسله مراتب مدیریت و هم در درون حوزهٔ حفاظت داخلی یا حراستی که مستقل از مدیریت است، امتداد یافته باشد. باید از کارکنان خواسته شود که هرگونه رفتار مشکوک یا مسئله‌دار را به افراد مافوق یا حراست گزارش کنند. علاوه بر این، باید از بانکها خواسته شود که فعالیتهای مشکوک و وقایع مهم در زمینهٔ اعمال مجرمانه را به بازرسان گزارش دهند. **انجام تحقیق پیرامون وقوع جرائم در بانکها، ضرورتاً بر عهدهٔ بازرسان نیست و برای انجام چنین امری، به مهارتهای تخصصی نیاز است لیکن ناظران می‌بایست مطمئن شوند که مراجع ذیصلاح از وجود این مسائل آگاهی داشته‌اند.** بازرسان باید قادر باشند اثرات این مقوله را بر روی بانکهای دیگر بررسی نموده و در صورت نیاز، مانع از این تاثیرات شوند. همچنین لازم است نسبت به حفظ یک آگاهی عمومی در مورد انواع فعالیتهای مجرمانه اقدام نمود تا بدینوسیله اطمینان یافت که بانکها جهت مقابله با این قبیل فعالیتهای، از کنترل‌های توانمند لازم برخوردارند.

پ- روشهای نظارت بانکی مستمر

اصل ۱۶:

یک سیستم نظارت بانکی موثر می‌بایست مشتمل بر اشکالی از هر دو شیوه<sup>۱</sup> نظارت حضوری<sup>۱\*</sup> و غیرحضوری<sup>۲\*</sup> باشد.

اصل ۱۷:

بازرسان می‌بایست بطور منظم با مدیریت بانک در تماس بوده و درک جامعی از عملیات آن موسسه داشته باشند.

اصل ۱۸:

ناظران بانکی باید دارای ابزارهایی باشند که بوسیله آنها، گزارشهای احتیاطی و اطلاعات آماری را - بصورت انفرادی و تلفیقی - از بانکها جمع‌آوری نموده و آنها را مورد مطالعه و تجزیه و تحلیل قرار دهند.

اصل ۱۹:

ناظران بانکی باید ابزارهایی را جهت ارزیابی مستقل اطلاعات نظارتی - یا از طریق بررسیهای حضوری و یا توسط حسابرسان خارجی - در اختیار داشته باشند.

---

۱\* - On-site supervision = نظارت حضوری، نظارت در محل، نظارت مستقیم

۲\* - Off-site supervision = نظارت غیرحضوری، نظارت از راه دور، نظارت غیرمستقیم

## اصل ۲۰:

**توانائی بازرسان در نظارت یکپارچه بر روی یک گروه بانکی، عاملی ضروری**

**برای نظارت بانکی به حساب می آید.**

بازرسان نیازمند آن هستند که اطلاعات را جمع آوری و تجزیه و تحلیل نمایند. این امر را می توان به صورت حضوری یا غیرحضوری به انجام رساند. یک سیستم کارآمد نظارتی، از هر دو شیوه استفاده خواهد نمود. در برخی کشورها، نظارت حضوری توسط بازرسان و در کشورهای دیگر بوسیله حسابرسان خارجی واجد شرایط انجام می شود. در کشورهای دیگر نیز، یک نظام ترکیبی از بازرسیهای حضوری و تشریک مساعی بین بازرسان و حسابرسان خارجی وجود دارد. دامنه نظارت حضوری و شیوه انجام آن، به عوامل مختلفی بستگی دارد.

صرفنظر از ترکیب فعالیتهای حضوری و غیرحضوری یا استفاده بازرسان از خدمات انجام شده توسط حسابداران خارجی، ناظران بانکی می بایست با مدیریت بانک بطور منظم در تماس بوده و درک جامعی از عملیات آن موسسه داشته باشند. مطالعه گزارش حسابرسان داخلی و خارجی می تواند بخش جدائی ناپذیری از هر دو نظارت حضوری و غیرحضوری را تشکیل دهد. بعنوان بخشی از نظارت مستمر می بایست به ارزیابی دوره ای عوامل مختلفی پرداخت که طی فرآیند صدور مجوز، مدنظر قرار می گیرند. باید بانکها را ملزم نمود که اطلاعات را بطور ادواری به بازرسان تسلیم نموده و بازرسان نیز باید از این توانائی برخوردار باشند که با بانکها، مباحثات منظمی پیرامون حوزه های کاری آنها و تمامی موضوعات مهم دیگر داشته باشند. همچنین در صورتیکه مشکلات گسترش یابند، بانکها باید احساس کنند که می توانند به بازرسان اعتماد کرده و با آنان مشورت



نمایند و انتظار داشته باشند که مشکلات مطروحه به شکلی سودمند و بصورت محرمانه به بحث و بررسی گذاشته خواهند شد. بعلاوه لازم است بانکها بر مسئولیت خود در اعلام بموقع موضوعات مهم به بازرسان، واقف باشند.

### ۱- بازرسی غیر حضوری

بازرسان باید دارای ابزارهایی باشند که بوسیله آنها، گزارشهای احتیاطی و اطلاعات آماری را - بصورت انفرادی و تلفیقی - از بانکها جمع آوری نموده و آنها را مورد مطالعه و تجزیه و تحلیل قرار دهند. این ابزارها باید شامل صورتهای مالی اصلی و گزارشهای تکمیلی دیگر باشند. گزارشهایی که راجع به مقدار منابع واقع شده در معرض ریسکهای مختلف و نیز سایر ابعاد مالی بانک از جمله ذخائر و اقلام زیر خط ترازنامه، جزئیات بیشتری را فراهم می آورند. همچنین لازم است موسسه ناظر، توانائی کسب اطلاعات از طریق همکاری با اشخاص غیربانکی را داشته باشد. نیز لازم است که بازرسان از اطلاعات و تحلیلهائی که در دسترس عموم مردم قرار دارند، نهایت استفاده را ببرند.

با استفاده از این گزارشها می توان میزان پایبندی بانکها به الزامات احتیاطی از قبیل کفایت سرمایه یا محدودیتهای مربوط به وام گیرندگان منفرد<sup>۱\*</sup> را مورد بررسی قرار داد. اغلب نظارت غیر حضوری می تواند مشکلات بالقوه را - بخصوص در فواصل بین بازرسی های حضوری - مورد شناسائی قرار داده و بدینوسیله قبل از آنکه مشکلات جدی تر شوند زمینه تشخیص اولیه آنها و پیشبرد

---

۱\* - Single debtor limits

اقدامات اصلاحی را فراهم آورند. همچنین از این گزارشها می توان نه تنها برای شناخت عملکرد مؤسسات خاص استفاده نمود بلکه برای شناخت نظام بانکی بعنوان یک کلیت نیز می توان بهره گرفت. در مقاطع ادواری یا هنگام بروز مشکلات، گزارشهای مزبور می توانند مبنای مباحثات با مدیریت بانک قرار گیرند. همچنین آنها باید بخش مهمی از برنامه بازرسی را تشکیل دهند بطوریکه از وقت محدودی که صرف بازرسی حضوری می شود، حداکثر استفاده را بعمل آورد.

## ۲- بازرسی حضوری و یا استفاده از حسابرسان خارجی<sup>۲۴</sup>

بازرسان باید ابزارهایی را جهت ارزیابی اطلاعات نظارتی - یا از طریق بررسیهای حضوری و یا توسط حسابرسان خارجی - در اختیار داشته باشند. نظارت حضوری - خواه بوسیله کارکنان بخش بازرسی یک موسسه نظارت بانکی انجام شود و خواه بازرسان پس از دریافت کمیسیون خود، انجام آنرا به حسابرسان خارجی واگذار نمایند - می بایست به نحوی سازمان یافته باشد تا بوسیله آن بتوان راجع به اینکه در تمامی بانکها، حاکمیت سهامی کافی وجود داشته و اطلاعات تهیه شده توسط آنها موثق می باشند، تحقیق مستقلی را بعمل آورد.

بازرسی های حضوری، ابزاری را برای ناظر فراهم می آورند که به وسیله آن بتواند طیفی از موضوعات از جمله موارد ذیل را تأیید یا ارزیابی نماید:

- صحت گزارشهای دریافتی از بانک

---

۲۴- در برخی کشورها به حسابرسان مستقلی که بوسیله موسسه نظارتی استخدام می شوند تا به نمایندگی از آنها به انجام امور ذیربط بپردازند، حسابداران گزارشگر (Reporting accountants) اطلاق می شود.

- عملکرد کلی و وضعیت بانک
- کفایت نظامهای مدیریت ریسک و رویه‌های کنترل داخلی در بانک
- کیفیت پرتفوی وام و کفایت ذخائر و اندوخته‌های مطالبات سوخت شده
- شایستگی مدیریت
- کفایت سیستمهای اطلاعات مدیریت و حسابداری
- مسائل و موضوعاتی که در مراحل قبلی نظارت حضوری یا غیرحضوری، مورد شناسائی واقع شده‌اند.
- میزان پایبندی بانک به قوانین و مقررات و شرایط مندرج در مجوز بانکی

موسسه نظارتی می‌بایست در رابطه با تعداد بازرسی‌ها و محدوده آنها،

دستورالعملهای داخلی شفاف را وضع نماید. علاوه بر این، لازم است به منظور حصول اطمینان از این امر که بازرسی‌ها دارای اهدافی شفاف بوده و به شکلی جامع و مستمر انجام می‌شوند، نسبت به توسعه خط مشی‌ها و رویه‌های بازرسی اقدام نمود. بسته به نوع استفاده از کارکنان بخش بازرسی، ممکن است یک موسسه نظارتی برای انجام تمام یا بخشی از وظایف فوق، از حسابرسان خارجی استفاده نماید. در برخی موارد ممکن است چنین وظایفی، بخشی از فرآیند معمولی حسابرسی را تشکیل دهد (بعنوان مثال ارزیابی کیفیت پرتفوی وام و میزان ذخائر مورد نیاز برای پوشش آن). بازرسان در زمینه‌های دیگر نیز می‌بایست از اختیارات کافی برخوردار باشند تا براساس آن بتوانند موسسات مزبور را ملزم نمایند از طریق حق‌العمل کاری، انجام چنین اموری را - بخصوص در زمینه‌های نظارتی - به سایر اشخاص ذیصلاح واگذار نمایند (بعنوان مثال راجع به صحت گزارشهایی که توسط بازرسان تکمیل شده‌اند و یا در مورد کفایت سیستمهای کنترلی). اگرچه

تنها زمانی باید از خدمات حسابرسان خارجی برای مقاصد نظارتی استفاده نمود که حرفه حسابرسی توسعه یافته‌ای - که از نظر حرفه‌ای مستقل بوده و از مهارت‌های لازم برای انجام وظائف محوله برخوردار است - وجود داشته باشد. در چنین شرایطی، موسسه نظارتی می‌بایست این حق را برای خود محفوظ بدارد که چنانچه نتیجه کار نظارتی خود را، مبتنی بر کار انجام شده از سوی موسسه حسابرسان خارجی خاصی می‌بیند، مانع استفاده از خدمات حسابرسی موسسه مزبور شود. بعلاوه، بازرسان باید از گروه‌های بانکی بخواهند که تا حد ممکن و در تمامی گروه، از حسابرسان و تواریخ حسابداری مشترکی (یکسانی) استفاده نمایند.

این موضوع نیز حائز اهمیت است که بازرسان و حسابرسان خارجی، درک روشنی از نقش یکدیگر داشته باشند. پیش از شناسائی مشکلات در یک بانک، حسابرسان خارجی می‌بایست مسئولیت‌های خود مبنی بر ایجاد ارتباط با موسسه نظارتی را بطور واضح درک نموده و نیز لازم است از آنها در برابر هرگونه مسئولیتی که افشاء صادقانه چنین اطلاعاتی ممکن است متوجه شخص آنها نماید، محافظت شود. برای تسهیل مذاکرات بین بازرسان و حسابرسان خارجی، باید از ساز و کار مناسبی استفاده نمود.<sup>۲۵</sup> در بسیاری از موارد، لازم است که بانک نیز در این مباحثات شرکت نماید. در کلیه موارد، موسسه ناظر می‌بایست برای انجام بازرسی‌های مستقل از بانکها، از اختیارات قانونی و ابزارهای لازم برخوردار باشد.

---

۲۵- کمیته بال رابطه بین ناظران بانکی و حسابرسان خارجی را مورد مطالعه قرار داده و درخصوص تعامل بین آنها، مناسبترین شیوه‌ها را مطرح نموده است. مقاله «رابطه بین ناظران بانکی و حسابرسان خارجی» از جلد سوم مجموعه رهنمودها را ملاحظه نمائید.

### ۳- نظارت یکپارچه<sup>۱\*</sup>

توانائی ناظران در انجام نظارت تلفیقی از یک واحد بانکی، عاملی ضروری برای نظارت بانکی به حساب می‌آید. این مقوله شامل توانائی در بررسی فعالیت‌های بانکی و غیربانکی انجام شده توسط واحد مزبور است که یا بطور مستقیم یا بطور غیرمستقیم (توسط شعب و واحدهای تابعه) و بوسیله دفاتر داخلی و خارجی آنها صورت می‌گیرد. بازرسان می‌بایست به این موضوع توجه نمایند که فعالیت‌های غیرمالی یک بانک یا گروه، ممکن است ریسک‌هایی را برای آن بانک در برداشته باشد. لازم است بازرسان راجع به این موضوع تصمیم بگیرند که کدام دسته از الزامات احتیاطی را تنها برای یک بانک (بصورت انفرادی)، کدامیک از آنها را بصورت تلفیقی و چه الزاماتی را برای هر دو روش بکار گیرند. در کلیه موارد، لازم است ناظران بانکی به هنگام استفاده از روشهای نظارتی خود، از ساختار کلی گروه یا واحد بانکی مطلع باشند.<sup>۲۶</sup> همچنین ناظران بانکی باید بتوانند خود را با سایر مراجعی که مسئول نظارت بر بعضی واحدهای آن سازمان هستند، هماهنگ نمایند.

---

۱\* – Supervision on a consolidated basis

۲۶- کمیته بال در مقاله خود تحت عنوان «نظارت تلفیقی بر فعالیت‌های بین‌المللی بانکها» (جلد ۱ از مجموعه رهنمودها)، نظارت تلفیقی را توصیه نموده است.

## ت- اطلاعات مورد نیاز از بانکها

### اصل ۲۱:

ناظران بانکی می‌بایست مطمئن شوند که هر بانک سوابق کافی از فعالیتهای خود را نگهداری می‌کند. سوابقی که براساس خط مشی‌ها و شیوه‌های رایج حسابداری تهیه شده و برای بازرسان این امکان را فراهم می‌کند که تصویری واقعی و منصفانه از وضعیت مالی و سودآوری عملیات تجاری آن بانک کسب نمایند. علاوه بر این، باید این اطمینان حاصل شود که بانک نسبت به انتشار منظم صورتهای مالی خود اقدام می‌کند. صورتهائی که وضعیت آن بانک را بطور کامل منعکس می‌نمایند.

برای اینکه بازرسان، نظارت غیرحضوری موثری از بانکها بعمل آورده و وضعیت بازار بانکی محلی را مورد ارزیابی قرار دهند می‌بایست اطلاعات مالی را در فواصل زمانی منظم دریافت نمایند. این اطلاعات می‌بایست بطور ادواری بوسیله بازرسیهای حضوری یا حسابرسی‌های خارجی تأیید شوند. لازم است ناظران بانکی اطمینان یابند که هر بانک نسبت به حفظ سوابق حسابداری کافی اقدام می‌کند. سوابقی که براساس خط مشی‌ها و شیوه‌های رایج حسابداری تهیه شده و بازرسان را قادر به کسب تصویری واقعی و منصفانه از وضعیت مالی و سودآوری عملیات تجاری آن بانک می‌نماید. برای اینکه صورتهای مالی، ارائه‌کننده تصویری واقعی و منصفانه باشند ضروری است در صورت مناسبیت، با احتساب ارزش جاری دارائیه‌ها، آنها را به قیمت‌های واقعی و منطقی خود ثبت و ضبط نموده و سود موسسه نیز بیانگر این موضوع باشد که احتمالاً بطور خالص چه چیزی عاید بانک می‌شود. همچنین لازم است که حسابهای مزبور، نقل و انتقالات احتمالی در ذخائر

مطالبات سوخت شده را منعکس نمایند. این امر حائز اهمیت است که بانکها اطلاعات را در قالبی ارائه نمایند که انجام مقایسه بین آنها را ممکن سازد. هرچند این احتمال وجود دارد که برای برخی مقاصد خاص، اطلاعات دریافتی از سیستمهای داخلی اطلاعات مدیریت نیز برای بازرسان سودمند باشد. ارائه گزارشها بصورت ادواری، حداقل می‌بایست موارد ذیل را دربرگیرد: ترازنامه یک بانک، صورت سود و زیان و بدهی‌های احتمالی؛ به همراه جزئیات کامل و مقدار منابعی که در معرض ریسکهای مهم قرار دارند.

هنگامیکه بانکها عمداً یا از روی بی‌احتیاطی راجع به مطالبی که برای فرآیند نظارتی اهمیت دارند، اطلاعات غلطی را ارائه می‌کنند این امکان وجود دارد که بازرسان به بیراهه رفته یا به مانع بربخورند. در صورتیکه یک بانک، اطلاعاتی را در اختیار بازرسی قرار می‌دهد که می‌داند محتوای آن غلط یا گمراه‌کننده بوده یا از روی بی‌دقتی تهیه شده است می‌بایست بر علیه آن موسسه و سایر افراد دست اندرکار، دست به اقدامات نظارتی و یا کیفری زد.

#### ۱- استانداردهای حسابداری

به منظور حصول اطمینان از این امر که اطلاعات ارائه شده از سوی بانکها، ماهیتاً مقایسه‌پذیر بوده و از معانی واضحی برخوردارند موسسه نظارتی می‌بایست دستورالعملهایی را برای شیوه ارائه گزارشها تهیه نماید. دستورالعملهایی که در آنها، آندسته از استانداردهای حسابداری که لازم است در تهیه گزارشها مورد استفاده قرار گیرند، به روشنی تبیین شده باشند. باید این

استانداردها، مبتنی بر آندسته از اصول و قواعد حسابداری ای باشند که از مقبولیت گسترده‌ای در سطح بین‌المللی برخوردار بوده، مخصوص موسسات بانکی وضع شده باشند.

## ۲- حیطه ارائه گزارشها و تعداد آنها

موسسه نظارتی می‌بایست از اختیارات لازم برای تعیین حیطه گزارشدهی و تعداد آنها برخوردار باشد تا بدینوسیله بی‌ثباتی این حرفه را منعکس نموده و موسسه مزبور را قادر سازد تا آنچه را که در تک‌تک بانکها و نیز تمامی نظام بانکی اتفاق افتاده است، بصورت انفرادی و تلفیقی دنبال نماید. برای اینکه بانکها گزارشهای خود را در فواصل زمانی منظم تهیه و تسلیم نمایند لازم است که بازرسان، مجموعه‌ای از رساله‌های آموزشی را در این زمینه منتشر نمایند. هرچند برخی گزارشها، اغلب بصورت ماهیانه تهیه می‌شوند لیکن امکان تهیه گزارشهای دیگر بصورت فصلی یا سالیانه نیز وجود دارد. بعلاوه ممکن است برخی گزارشها را بصورت «موردی»<sup>۱\*</sup> تهیه کنند بدین معنا که تنها پس از وقوع یک رویداد خاص، نسبت به تهیه آنها اقدام شود (بعنوان مثال سرمایه‌گذاری در یک شرکت جدید). لازم است بازرسان متوجه این مسئله باشند که گزارش تهیه شده، به چه موضوعی دلالت دارد. در نتیجه ممکن است تصمیم بگیرند که لازم نیست هر بانک نسبت به تکمیل کلیه گزارشها اقدام نماید. می‌توان براساس ساختار سازمانی یک بانک، اندازه آن و انواع فعالیت‌هایی که انجام می‌دهد، وضعیت آن بانک را به نمایش گذاشت.

---

گزارشهای موردی یا واقعه‌نگار = Event generated reports - ۱\*



### ۳- تأیید صحت اطلاعات ارائه شده

مسئولیت حصول اطمینان از صحت، جامعیت و به هنگام بودن گزارشهای احتیاطی، مالی و دیگر گزارشهای ارائه شده به بازرسان، برعهده مدیریت بانک می‌باشد. بنابراین مدیریت بانک می‌بایست مطمئن شود که به صحت و سقم گزارشها، رسیدگی شده و اینکه حسابرسان خارجی، کفایت سیستمهای گزارشدهی مورد استفاده و توانائی آنها در ارائه اطلاعات موثق را تأیید می‌نمایند. لازم است حسابرسان خارجی راجع به صورتهای مالی سالیانه و گزارشهایی که مدیریت به سهامداران و عامه مردم ارائه می‌کند، اظهارنظر نمایند. وجود نقاط ضعف در استانداردهای حسابرسی بانکها در یک کشور خاص ممکن است مستلزم این باشد که ناظران بانکی خود را درگیر ایجاد دستورالعملهای شفافیتی بنمایند که به تبیین حیطة و محتوای برنامه حسابرسی و نیز استانداردهائی می‌پردازد که لازم است مورد استفاده قرار گیرند. در نهایت زمانی که بازرسان از کیفیت گزارشهای نظارتی یا صورتهای مالی سالیانه یا کار انجام شده بوسیله حسابرسان خارجی راضی نیستند می‌بایست برای انجام بموقع اقدامات اصلاحی، توان استفاده از معیارهای نظارتی را داشته و این حق را برای خود محفوظ بدارند که اجازه انتشار صورتهای مالی جهت اطلاع عموم مردم را صادر نمایند.

لازم است بازرسان در ارزیابی کیفیت و کفایت کار انجام شده توسط حسابرسان، به این موضوع توجه نمایند که برنامه حسابرسی مذکور، تا چه اندازه به بررسی حوزه‌های همچون موارد ذیل پرداخته است: پرتفوی وام، ذخائر مطالبات سوخت شده، وامهای بازپرداخت نشده<sup>۱\*</sup> (شامل شیوه برخورد با هزینه

---

۱\* - Non-performing assets

بهره این قبیل تسهیلات)، نحوه ارزیابی داراییها، فعالیتهای انجام شده در زمینه خرید و فروش اوراق بهادار قابل معامله و نیز سایر اوراق بهادار، ابزارهای مشتقه، تبدیل داراییها به اوراق بهادار<sup>۲۶\*</sup> و کفایت کنترلهای داخلی در مورد نحوه گزارشدهی مالی. در مواقعی که حسابرسیهای داخلی از توانایی لازم برخوردار بوده و مستقل از مدیریت میباشند، می توان به آنها بعنوان یکی از منابع اطلاعاتی استناد نمود و برای ایجاد شناخت در بازرسان، بطور سودمندی از آنها بهره گرفت.

#### ۴- حفظ جنبه محرمانه اطلاعات نظارتی

هرچند لازم است فعالان در بازار به اطلاعات صحیح و بموقعی دسترسی داشته باشند لیکن اطلاعات حساسی<sup>۲۷</sup> وجود دارند که ناظران بانکی میبایست جنبه محرمانه بودن آنها را حفظ نمایند. به منظور افزایش اعتماد دو جانبه، بانکها میبایست از این موضوع اطمینان یابند که محرمانه بودن چنین اطلاعات حساسی از سوی موسسه ناظر بانکی و سایر طرفهای ذیربط آن در موسسات نظارتی داخلی و خارجی، حفظ می شود.

#### ۵- افشاء

برای اینکه نیروهای موجود در بازار به شیوه موثری عمل نموده و از این

---

#### ۲\* – Asset securitisation

۲۷- در کشورهای مختلف، اطلاعات متفاوتی را بعنوان اطلاعات حساس در نظر می گیرند. هرچند، این موارد نوعاً شامل اطلاعات مربوط به حساب شخصی مشتریان و نیز مشکلاتی است که بازرسی برای حل آنها به بانک کمک می نماید.

رهگذر، نظام مالی کاراً و با ثباتی را ایجاد نمایند، لازم است فعالان در بازار، به اطلاعات صحیح و بموقع دسترسی داشته باشند. بنابراین افشاء، تکمیل‌کننده نظارت است. به این دلیل، بانکها باید ملزم شوند اطلاعات مربوط به فعالیتها و وضعیت مالی خود را جهت اطلاع عموم، افشاء نمایند. اطلاعاتی که از جامعیت لازم برخوردار بوده و گمراه‌کننده نباشند. برای اینکه مشارکت‌کنندگان در بازار بتوانند ریسک موجود در هر واحد بانکی را ارزیابی نمایند لازم است که این اطلاعات کافی و بموقع باشند.<sup>۲۸</sup>

---

۲۸- اخیراً کمیته بال برای مطالعه مباحث مربوط به افشاء و تهیه دستورالعمل لازم برای صنعت بانکداری، اقدام به تشکیل یک گروه فرعی نموده است.

## بخش پنجم: اختیارات رسمی بازرسان

### اصل ۲۲:

لازم است ناظران بانکی، ابزارهای نظارتی مناسبی در اختیار داشته باشند تا در زمانی که بانکها در تامین الزامات احتیاطی (از قبیل حداقل نسبت‌های کفایت سرمایه) قصور ورزیده یا از ضوابط نظارتی سرپیچی کرده، و یا هنگامیکه منافع سپرده‌گذاران به هر طریق دیگری در معرض خطر قرار دارد، نسبت به انجام بموقع اقدامات اصلاحی اقدام نمایند. در شرایط حاد، این امر می‌بایست شامل توانائی بازرسان در ابطال مجوز بانکی یا پیشنهاد لغو آن باشد.

### الف - اقدامات اصلاحی

علیرغم تلاش بازرسان، ممکن است موقعیتهائی بوجود آید که در آن، بانکها در تامین الزامات نظارتی قصور ورزیده و یا توانائی آنها در پرداخت دیون، زیر سوال برود. به منظور حفاظت از منافع سپرده‌گذاران و بستانکاران و جلوگیری از گسترش بیشتر این مسائل، بازرسان باید از توان انجام مداخلات بموقع برخوردار باشند. لازم است ناظرین بانکی، ابزارهای نظارتی مناسب را در اختیار داشته باشند تا بتوانند نسبت به انجام بموقع اقدامات اصلاحی اقدام نموده و بسته به نوع مسائل کشف شده، واکنش مناسبی را ارائه نمایند. در مواردی که مشکل کشف شده نسبتاً جزئی می‌باشد، انجام یک اقدام غیررسمی از قبیل تذکر ساده شفاهی یا کتبی به مدیریت بانک، ممکن است تمام آن چیزی باشد که انتظار می‌رود. در سایر موارد ممکن است به اقدامات رسمی تری نیاز باشد. هنگامی که این اقدامات اصلاحی، بخشی از یک برنامه جامع اصلاحات در آن بانک بوده و

اجرای آن مبتنی بر یک برنامه زمان بندی باشد، بیشترین شانس را برای موفقیت دارا هستند. هر چند عدم دستیابی به یک توافق با مدیریت بانک، نباید مانع از الزام مرجع نظارتی به انجام اقدامات اصلاحی مورد نیاز باشد.

#### **بازرسان نه تنها باید از این اختیار برخوردار باشند که فعالیتهای جاری بانک**

را محدود نمایند بلکه می بایست بتوانند مانع از تصویب ورود بانک به فعالیتهای جدید یا خریدهای تازه شوند. همچنین آنها باید از این اختیار برخوردار باشند که پرداخت سود (یا سایر پرداختها) را به سهامداران تحدید یا تعلیق نموده و بتوانند نقل و انتقالات در دارائیها و خرید سهام یک بانک بوسیله خودش را نیز محدود نمایند. برای بررسی مسائل مربوط به حوزه مدیریت، لازم است که بازرسان از ابزارهای کارآمدی برخوردار باشند. این ابزارها شامل قدرت کنترل مالکین، اعضای هیات مدیره، مدیران و تغییر یا تحدید قدرت آنها و در صورت ضرورت، منع افراد از فعالیت در عرصه بانکداری است. در نهایت، ناظران باید بتوانند برای بانکی که نسبت به رعایت الزامات احتیاطی یا سایر الزامات اهمال ورزیده است، اقدامات حفاظتی را بعمل آورند. این نکته حائز اهمیت است که تبعات کلیه اقدامات اصلاحی، مستقیماً متوجه هیات مدیره می باشد چرا که مسئولیت کلان موسسه برعهده آنان است.

هنگامی که اقدامات اصلاحی بعمل آمد بازرسان می بایست مترصد آن باشند که با انجام بررسی های ادواری، این نکته را مشخص نمایند که آیا آن بانک خود را با معیارهای مزبور منطبق نموده است (یا خیر). چنانچه مشکلات رو به وخامت گذاشته یا مدیریت بانک، درخواستهای غیررسمی تر بازرسان مبنی بر انجام اقدامات اصلاحی را نادیده بگیرد، لازم است که اقدامات اصلاحی را تشدید نمود.

## ب- شیوه‌های انحلال

در شرایط بسیار حاد و علیرغم تلاشهای مستمر بازرسان برای حصول اطمینان از رفع مشکلات یک بانک، ممکن است واحد مزبور نتواند از نظر مالی، بیش از این دوام بیاورد. در چنین مواردی ممکن است بازرس در راه‌حلهائی مشارکت نماید که مستلزم واگذاری امور بانک به یک موسسه سالم‌تر یا ادغام با آن باشد. زمانی که کلیه اقدامات دیگر با شکست مواجه می‌شود بازرس باید از این توانائی برخوردار باشد که به کار یک بانک ناسالم خاتمه داده یا به تعطیل آن کمک نماید تا بدینوسیله از ثبات کلی نظام بانکی، حفاظت شود.

## بخش شش: بانکداری برون مرزی

اصول تنظیم شده در این بخش، با آنچه که معروف به توافقنامه بال<sup>۱\*</sup> و اصلاحیه‌های بعدی آن است، انطباق دارد.<sup>۲۹</sup> توافقنامه مزبور به ایجاد تفاهم در رابطه با نحوه تماس و همکاری بین مقامات کشورهای مبدأ و مقصد - در زمینه نظارت بر واحدهای برون مرزی بانکها - می‌انجامد. آخرین سند از این دست تحت عنوان «نظارت بر عملیات بانکداری برون مرزی»، محصول مشترک کمیته بال و گروه ناظران بانکی برون مرزی<sup>۲\*</sup> است که پس از انتشار، به تأیید ۱۳۰ کشور شرکت‌کننده در کنفرانس بین‌المللی ناظران بانکی (ماه ژوئن سال ۱۹۹۶ میلادی) رسید. این سند دربردارنده ۲۹ توصیه می‌باشد که هدف آنها، رفع موانع مربوط به اجرای موثر نظارت تلفیقی است.

### الف - وظائف بازرسان کشور مبدأ<sup>۳\*</sup>

#### اصل ۲۳:

لازم است بازرسان بر روی آن دسته از واحدهای بانکی خود که در سطح بین‌المللی فعال هستند، نظارت تلفیقی جامعی را اعمال نمایند. این امر می‌تواند از

---

۱\* - Basel Concordat

۲۹- مقالات «اصولی برای نظارت بر تشکیلات خارجی بانکها»، «حداقل استانداردها برای نظارت بر گروههای بانکی بین‌المللی و واحدهای برون مرزی آنها» و «نظارت بر عملیات بانکداری برون مرزی» از جلد سوم مجموعه رهنمودها را ملاحظه فرمائید.

۲\* - The Offshore Group of Banking Supervisors

۳\* - Home Country = کشور مبدا، کشور میهمان، کشور متبوع، کشور موطن

طریق نظارت کافی و بکارگیری ضوابط احتیاطی مناسب برای کلیه جوانب عملیات جهانی انجام شده توسط این گروه از واحدهای بانکی - بخصوص در شعب خارجی، سرمایه‌گذاریهای مشترک و واحدهای تابعه آنها - صورت پذیرد.

#### اصل ۲۴:

ایجاد تماس و تبادل اطلاعات با سایر بازرسان ذیربط بخصوص با مراجع

نظارتی کشور مقصد<sup>۱\*</sup>، بخش مهمی از نظارت تلفیقی را تشکیل می‌دهد.

در راستای اجرای نظارت بانکی یکپارچه، لازم است ناظران بانکی بر کلیه جوانب عملیات جهانی انجام شده توسط واحدهای بانکی خود - از جمله شعب خارجی، سرمایه‌گذاریهای مشترک و واحدهای تابعه آنها - نظارت کافی داشته و در این رابطه از ضوابط احتیاطی مناسب استفاده کنند. یکی از مسئولیتهای اصلی بازرس بانک مادر<sup>۲\*</sup>، تعیین این موضوع است که آیا بانک مزبور بر شعب خارجی، سرمایه‌گذاریهای مشترک و شرکتهای تحت پوشش خود نظارت کافی دارد یا خیر. این نظارت می‌بایست موارد ذیل را دربرگیرد: میزان انطباق آنها با کنترلهای داخلی، دریافت یک جریان کافی و منظم از اطلاعات، و تعیین صحت و سقم اطلاعات دریافت شده بصورت ادواری. در بسیاری از موارد، این امکان وجود دارد که دفاتر خارجی یک بانک به انجام عملیاتی مبادرت ورزند که دارای تفاوت‌های اساسی با عملیات داخلی آن بانک است. در نتیجه بازرسان می‌بایست مطمئن شوند که آیا بانک

---

۱\* - Host Country = کشور مقصد، کشور میزبان

۲\* - The parent bank



مذکور جهت انجام این فعالیتها به شیوه‌ای درست و مطمئن، از تجربه لازم برخوردار است یا خیر.

ایجاد تماس و تبادل اطلاعات با سایر بازرسان ذیربط از جمله مراجع نظارتی کشور مقصد، بخش مهمی از نظارت تلفیقی است. این تماس باید از مرحله صدور مجوز شروع شود یعنی هنگامی که بازرس کشور مقصد می‌بایست قبل از صدور مجوز فعالیت برای دفتر نمایندگی، مجوز بازرس کشور مبداء را از آن بانک مطالبه نماید. در بسیاری از موارد، مناسبات دوجانبه‌ای بین بازرسان وجود دارد. می‌توان اثبات نمود برای تعریف محدوده‌ای از اطلاعات که می‌بایست مبادله شده و تعیین شرایط مورد نیاز برای انجام چنین امری، وجود این مناسبات سودمند است. تا زمانی که برای کسب اطلاعات، بر روی تریبات رضایت‌بخشی توافق نشده است ناظران بانکی می‌بایست مانع از انجام عملیات بانکهای خود در کشورهایی شوند که بدلیل برخورداری از قوانین رازداری و سایر مقررات، مانع از گردش اطلاعات لازم برای انجام نظارت مناسب می‌شوند.

همچنین تعیین کیفیت و محدوده نظارتی که بازرسان کشور مقصد در مورد عملیات محلی بانکهای کشور مبداء اعمال می‌نمایند، بر عهده ناظرانی از کشور مبداء است. در مواقعی که نظارت کشور مقصد، از کفایت لازم برخوردار نیست ممکن است بازرس کشور مبداء برای جبران این امر، نسبت به انجام اقدامات ویژه دیگری همچون بازرسی‌های حضوری، درخواست اطلاعات تکمیلی از دفتر مرکزی بانک مزبور یا حساب‌برسان خارجی آن، اقدام نماید. باتوجه به نوع ریسکهای موجود، اگر نتوان برای ایجاد اطمینان خاطر کافی، گزینه‌های مزبور را به اجرا درآورد بازرس کشور مبداء نیز قادر به انتخاب گزینه دیگری نیست لیکن این امکان برای وی مهیا است که درخواست نماید به کار واحدهای برون مرزی، خاتمه داده شود.

## ب- وظائف بازرسان کشور مقصد

### اصل ۲۵:

ناظران بانکی می‌بایست بانکهای خارجی را ملزم نمایند عملیات محلی خود را مطابق با استانداردهای عالی مشابهی انجام دهند که موسسات داخلی نیز ملزم به رعایت آنها هستند. همچنین لازم است بازرسان مذکور از اختیارات لازم جهت مبادله اطلاعات با بازرسان کشور مبداء برخوردار باشند تا بدینوسیله بتوانند نظارتی تلفیقی را به اجرا درآورند.

بانکهای خارجی در بیشتر اوقات، رقابت را افزایش داده و موجب تعمیق آن می‌شوند از اینرو فعالان مهمی برای بازارهای بانکی محلی به حساب می‌آیند. ناظران بانکی می‌بایست بانکهای خارجی را ملزم نمایند عملیات محلی خود را مطابق با استانداردهای عالی مشابهی انجام دهند که موسسات داخلی نیز ملزم به رعایت آنها هستند. همچنین لازم است بازرسان مذکور از اختیارات لازم جهت مبادله اطلاعات با بازرسان کشور مبداء برخوردار باشند تا بدینوسیله بتوانند نظارتی تلفیقی را به اجرا درآورند. در نتیجه، لازم است عملیات بانکهای خارجی نیز همانند بانکهای داخلی، تابع الزامات احتیاطی، نظارتی و گزارشدهی مشابهی باشد (البته با تشخیص وجود تفاوت‌هایی از قبیل اینکه شعب مستقلاً تامین سرمایه نمی‌شوند).

از آنجاکه موسسه نظارتی کشور مقصد، تنها بخش محدودی از عملیات کلی بانک خارجی را تحت نظارت خود دارد لازم است موسسه نظارتی این موضوع را مشخص نماید که آیا بازرسان کشور مبداء، نظارت یکپارچه‌ای را بر روی عملیات داخلی و خارجی آن بانک اعمال می‌نماید یا خیر. برای آنکه بازرسان کشور مبداء،

نظارت تلفیقی کارآمدی را به اجرا بگذارند، بازرسی کشور مقصد می‌بایست اطلاعات خود راجع به عملیات محلی بانکهای خارجی را با آنها در میان بگذارد مشروط بر آنکه این امر بصورت متقابل بوده و از جنبهٔ محرمانهٔ اطلاعات محافظت شود. علاوه بر این برای دستیابی به مقاصد نظارتی مورد نظر، لازم است که بازرسان کشور مبداء به شعب و دفاتر محلی بصورت حضوری دسترسی داشته باشند. در مواقعی که قوانین کشور مقصد مانع از مبادلهٔ اطلاعات یا همکاری با بازرسان کشور مبداء می‌شوند مقامات کشور مقصد می‌بایست برای تغییر قوانین خود تلاش نمایند تا بدینوسیله کشورهای مبداء نیز بتوانند نظارت تلفیقی موثری را به مرحلهٔ اجرا بگذارند.

## پیوست شماره ۱

### مباحث ویژه مربوط به بانکهای دولتی

بسیاری از کشورها دارای بانکهای تجاری ای هستند که تمام یا بخش اعظمی از آنها، به دولت مرکزی (ملی) یا سایر نهادهای دولتی تعلق دارد.<sup>۳۰</sup> اغلب به دلائل تاریخی، اکثریت نظام بانکی را در سایر کشورها، بانکهای تجاری دولتی تشکیل می‌دهند. دراصل، لازم است که کلیه بانکها - صرفنظر از نوع مالکیت آنها - از استانداردهای عملیاتی و نظارتی یکسانی تبعیت کنند. هرچند لازم است ماهیت منحصر بفرد بانکهای تجاری دولتی را از دیگران باز شناخت.

معمولاً بانکهای تجاری دولتی، حمایت کامل منابع دولتی را در پشت سر خود دارند. این امر توانمندی و حمایت مضاعفی را برای بانکهای مزبور فراهم می‌آورد. اگرچه این حمایت دولتی می‌تواند مفید واقع شود لیکن باید به این نکته نیز توجه نمود که حل مشکلات در این بانکها، گاهی اوقات با تاخیر انجام شده و دولت همیشه در موقعیتی قرار ندارد که به هنگام نیاز، سرمایه‌مجددی را برای آن بانک فراهم آورد. در ضمن ممکن است این حمایت به پذیرش ریسکهای فراوانی از سوی مدیریت بانک منجر شود. بعلاوه زمانی که فعالان بازار از این امر آگاهی داشته

---

۳۰- این امر می‌تواند شامل بانکهای پس‌انداز و تعاونی شود. هرچند این بانکها، با بانکهای تخصصی (policy banks) - که نوعاً متخصص اعطای انواع ویژه‌ای از وام بوده یا هدف آنها، توجه به بخشهای خاصی از اقتصاد می‌باشد - تفاوت دارند.

باشند که یک بانک خاص، از حمایت کامل دولت برخوردار بوده و در نتیجه نسبت به یک بانک خصوصی مشابه، دسترسی بیشتر (و شاید ارزانتری) به منابع تامین وجوه دارد، ممکن است از کارائی نظم حاکم بر بازار کاسته شود.

از اینرو بمنظور حفظ یک فرهنگ قوی اعتباری و هدایت آن در کل نظام بانکی، این موضوع اهمیت دارد که بازرسان بدنبال حصول اطمینان از این امر باشند که بانکهای تجاری دولتی، در سطح قواعد و مهارتهای حرفه‌ای سطح بالائی که بانکهای تجاری خصوصی نیز ملزم به رعایت آن هستند، عمل می‌نمایند. بعلاوه، برای نظارت بر بانکهای تجاری دولتی، بازرسان می‌بایست از همان روشهایی بهره‌مند شوند که برای نظارت بر سایر بانکهای تجاری از آنها استفاده می‌کنند.

## پیوست شماره ۲

### حفاظت از سپرده‌ها

با وجود تلاشهای انجام شده از سوی بازرسان، امکان ورشکستگی بانکها وجود دارد. در چنین مواقعی، زیان وارده احتمالی به تمام یا بخشی از وجوه سپرده‌گذاران، باعث افزایش ریسکی می‌شود که به موجب آن، سپرده‌گذاران اعتماد خود را به سایر بانکها نیز از دست می‌دهند. از اینرو بسیاری از کشورها نسبت به ایجاد طرحهایی جهت بیمه سپرده‌ها اقدام نموده‌اند تا بدینوسیله از منافع سپرده‌گذاران جزء محافظت نمایند. معمولاً این طرحها بوسیله دولت یا بانک مرکزی یا انجمن‌های بانکی، سازمان یافته و بجای آنکه داوطلبانه باشند، اجباری هستند. بیمه سپرده‌ها برای بسیاری از بستانکاران بانک، پشتوانه‌ای<sup>۱\*</sup> را فراهم می‌آورد که از رهگذر آن، اعتماد عمومی به بانکها افزایش یافته و ثبات نظام مالی بیشتر می‌شود. همچنین ممکن است وجود چنین پشتوانه‌ای، اثر احتمالی مشکلات یک بانک را بر سایر بانکهای سالمتری که در همان بازار فعالیت می‌نمایند، محدود کرده و بدینوسیله احتمال سرایت یا وقوع یک واکنش زنجیره‌ای<sup>۲\*</sup> را در کل نظام بانکی کاهش دهد. یک مزیت مهم بیمه سپرده‌ها در رابطه با شیوه‌های خروج منطقی (از بازار) این است که به ناظران بانکی آزادی عمل بیشتری می‌دهد تا بانکهای مسئله‌دار را، ورشکسته اعلام نمایند.

بیمه سپرده‌ها ممکن است خطر اقدام بانکها به انجام رفتارهای

---

۱\* – Safety net

۲\* – Chain reaction

غیراحتیاطی (مخاطره‌آمیز) را افزایش دهد. سپرده‌گذاران کوچک، تمایل کمتری به پس گرفتن وجوه خود دارند حتی اگر بانک مزبور، استراتژیهای پرریسک خود را ادامه دهد. سپرده‌گذاران با این کار خود، موجب تضعیف بررسیهای مهمی می‌شوند که بازرسان بر روی مدیریت غیر احتیاطی آن بانک اعمال می‌نمایند.

لازم است بازرسان و مقامات دولتی، تاثیر این حمایتها را شناسائی نموده و برای ممانعت از ریسک‌پذیری افراطی از سوی بانکها، اقداماتی را بعمل آورند. یک روش تحدید ریسک‌پذیری، استفاده از یک نظام بیمه سپرده‌ها متشکل از بیمه اتکائی<sup>۱\*</sup> است. در چنین نظامی، بیمه سپرده‌ها درصدی (بعنوان مثال ۹۰ درصد) از سپرده‌های افراد را تحت پوشش خود قرار می‌دهد و یا اینکه فقط تا یک مقدار مشخصی شامل آنها می‌شود بطوریکه هنوز هم مقداری از وجوه سپرده‌گذاران در معرض ریسک قرار دارد. روشهای دیگر شامل در نظر گرفتن تعرفه‌های بیشتر (براساس ریسک مربوطه)<sup>۲\*</sup> یا جلوگیری از شمول بیمه سپرده‌ها بر سپرده‌گذاران عمده و سازمانی است.

لازم است شیوه واقعی انجام چنین برنامه‌ای، متناسب با شرایط موجود و وضعیت فرهنگی و تاریخی هر کشوری، تغییر یابد.<sup>۳۱</sup>

---

۱\* - Co-insurance = بیمه اتکائی، بیمه مشترک

۲\* - Charging risk-based premiums

۳۱- در تمامی کشورهای عضو کمیته بال، اشکالی از بیمه‌های سپرده بانکی وجود دارد. تجارب این کشورها در طراحی یک برنامه بیمه سپرده، مفید واقع شده است. مقاله «برنامه‌های حفاظت از سپرده‌ها در کشورهای عضو گروه ۱۰» از جلد سوم مجموعه رهنمودها را ملاحظه بفرمائید.

## فهرست منابع:

1- Core Principles for Effective Banking Supervision, Basle Committee on Banking Supervision, September 1997

۲- ماجدی، علی - گلریز، حسن «پول و بانک از نظریه تا سیاست گذاری» موسسه عالی بانکداری ایران، تهران، چاپ هشتم، تابستان ۱۳۷۷.

استفاده از مطالب این مجموعه با ذکر ماخذ بلامانع است.



